



همایش بررسی و تحلیل اصول، مبانی، مدلها و راهکارهای علمی و اجرایی اصلاح الگوی مصرف
ایران، تهران، جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی

۱۳۸۸

درآمدی بر نگاه دین به اتلاف منابع کشور

محمدکاظم کاظمی پور^۱

Kazemipoor@HotMail.COM

کلید واژه : صرفه جویی، الگوی مصرف، مدیریت منابع، فقه نوین، اقتصاد اسلامی، اخلاق اقتصادی، بهره وری، مصرف انرژی، اسراف، تبذیر

چکیده

بدون شک گرفتاری اسراف و تبذیر یکی از مشکلات جامعه است و مصرف زدگی و زیاده روی، مشکلات اقتصادی و اجتماعی بسیاری برای جامعه ایجاد می کند؛ عادت به اسراف در تار و پود جامعه ریشه دوانده است و ترویج درست مصرف کردن و همچنین مصرف درست، به عنوان یک راه حل اساسی در برون رفت از بحران در نظام اقتصادی جامعه اسلامی مطرح می شود. امروزه اسراف و تبذیر به صورت عرف و عادت و گاه یک ارزش درآمدی است، حتی بالاترین مقام مدیریتی کشور (مقام معظم رهبری) در پیام تعیین کننده و نوروزی خویش، قبل از هرگونه اشاره ای به مهمترین واقعه سیاسی دهه سوم انقلاب (انتخابات ریاست جمهوری) به این موضوع می پردازند. به نظر می رسد تغییر زیرساخت های عرفی، اخلاقی و فرهنگی جامعه یکی از مهم ترین عوامل برای نابود کردن اسراف باشد که آن هم در گرو درک صحیح این مشکل است؛ با توجه به اینکه قرآن گره گشای بسیاری از مسایل علمی، فرهنگی و اجتماعی است، نگارنده بر آن است که بر اساس مطالعات آزاد و مستقل از تحصیلات دانشگاهی خود و صرفاً بر مبنای یک بینش اجتماعی و در راستای یک احساس وظیفه ملی - مذهبی، از دیدگاه قرآن و روایات اشاره ای به پیامدهای ویرانگر اسراف و تبذیر داشته باشد تا با واکاوی مفهوم اسراف و تبذیر، بازشناسی آثار و پیامدهای منفی اسراف و تبذیر، آسیب شناسی و درمان شناسی اسراف و تبذیر به جستجوی الگوی صحیح مصرف از دیدگاه اسلامی بپردازد.

^۱ کارشناس مهندسی مکانیک، شرکت خدمات مهندسی برق (مشانیر)، عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان، خبرنگار افتخاری خبرگزاری قرآن (ایکنا)، شماره تماس ۰۹۳۵۲۵۳۸۷۴۹

میلیون نفر جمعیت کشور تقسیم کنیم، سرانه این بخش از یارانه ها حدود ۱۵۰ دلار در سال است. اما، اگر یارانه های غیرمستقیم را به این رقم اضافه کنیم، جمع آن به ۱۰۰ میلیارد دلار می رسد که در واقع قریب یک ونیم برابر بودجه جاری ایران است.^۴ اگر قیمت یک تن بنزین را در بازار بین المللی ۱۰۰۰ دلار در نظر بگیریم، دولت ایران همین میزان بنزین را در بازار داخلی به یک دهم قیمت، یعنی به ۱۰۰ دلار می فروشد و به همین دلیل ناگزیر است سالانه بیش از ۶ میلیارد دلار فقط صرف یارانه سوخت وارداتی کند.

رئیس جمهوری ایران بارها تأکید کرده که قرار است به موجب طرح هدفمند کردن یارانه ها به منظور اجرای اصلاح الگوی مصرف، یارانه های سوخت، آب، برق، نان حذف و سهم مردم از این یارانه ها به طور نقدی به آنان پرداخت شود. ۷۰٪ جمعیت کشور، یعنی ۵۰ میلیون نفر تنها از ۳۵٪ یارانه های انرژی استفاده می کنند و در مقابل ۳۰٪ جمعیت از ۶۵٪ یارانه ها بهره مند می شوند. با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها ۷۰٪ مردم که تاکنون تنها از ۳۵٪ یارانه ها استفاده میکردند می توانند از این پس از ۶۰٪ یارانه ها بهره ببرند.^۵

کارشناسان ائتلاف سوخت را در اقتصاد ایران معادل ۲۸ میلیارد دلار تخمین می زنند. به این معنا که ایران سالانه ۷۰۰ میلیون بشکه نفت بیش از متوسط جهانی مصرف می کند. ائتلاف منابع در بخش یارانه نان سالانه معادل ۵ میلیارد دلار است، دولت ۱۳ میلیارد دلار به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است و این نگرانی وجود دارد که اختصاص بخش بزرگی از بودجه به یارانه های غیرمستقیم، امکان بهداشت استاندارد، آموزش و پرورش رایگان و امنیت مناسب را از شهروندان و روستائیان سلب کند.

رئیس دولت طی چند نوبت گفته است: به موجب طرح تحول اقتصادی، بین ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان در ماه به ۷۰٪ جمعیت پرداخت خواهد شد. از طرفی مجلس شورای اسلامی به دلیل کسری بودجه و کاهش چشمگیر درآمدهای نفتی، در مقابل اصل پرداخت نقدی یارانه، مقاومت می کند. در این خصوص رامین

میزان کسری بودجه ایران در سال ۸۸ قریب ۴۳ میلیارد دلار برآورد شده است^۲، در حالی که این رقم در سال ۸۷ بالغ بر ۱۶ میلیارد دلار بود، با این تفاوت مهم که فقط در شش ماه اول سال ۸۷ بهای نفت صادراتی ایران به طور متوسط بالای ۱۰۰ دلار در بشکه بود و این رقم در حال حاضر به ۳۷۰۵ دلار در بشکه هم نمی رسد.

دولت نیز علیرغم انتقادهای تند رقبای سیاسی قدرتمند و دارای سابقه، ناچار به حذف گریز ناپذیر دهها میلیارد دلار یارانه ایست که همه ساله برای اقلام مختلف کالاها و خدمات پرداخت می شد.

کارشناسان، از بی تعادلی بودجه کشور در ۱۰ سال گذشته خبر می دهند. به اعتقاد آنان، مهمترین بُعد بی تعادلی در بودجه عمرانی کشور است که خود به مانع بزرگ تحرک اقتصادی کشور بدل شده و بُعد دیگر این بی تعادلی ناتوانی دولت در تأمین هزینه های غول آسای خود است.^۳

کمبود منابع بانک ها و مشکلات ناشی از آن نیز نگران کننده است. بر اساس آمار بانک مرکزی ایران، تنها مطالبات معوق هفت بانک تجاری دولتی کشور از ۷۲۷۴ میلیارد تومان در سال ۸۵ به ۸۹۱۲۷ میلیارد تومان در سال ۸۶ رسیده است. بر اساس نماگرهای بانک مرکزی ایران بدهی های دولت به نظام بانکی کشور - شامل بانک ها و خود بانک مرکزی - با ۳۶٪ افزایش از ۱۴۸۷۰ میلیارد تومان در اسفند ۸۳ به ۲۰۲۰۰ میلیارد تومان در آذرماه ۸۷ رسیده است.

مطابق گزارش مراجع بین المللی، ایران در سالهای گذشته به طور متوسط سالانه ۱۶ رتبه در زمینه فساد مالی سقوط کرده است. در سال گذشته، ایران با ۱۰ رتبه سقوط نسبت به سال قبل در میان ۱۸۰ کشور جهان رتبه ۱۴۱ را در زمینه فساد کسب نمود.

موضوع یارانه در اقتصاد ایران همچنان از بحث انگیزترین چالش های اقتصادی به شمار می رود. دولت در حال حاضر سالانه تنها ۱۰ میلیارد دلار یارانه مستقیم در بخش های بنزین، نان و درمان به مردم می پردازد و اگر این رقم را میان ۷۰

^۴. کشوری همچون چین اگر بخواهد ۱۰۰ میلیارد دلار به تولید ناخالص خود اضافه کند، باید ده برابر این رقم، یعنی ۱۰۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری اقتصادی انجام دهد

^۵. سخنرانی رئیس جمهور محترم در اصفهان، نوزدهم فروردین ۱۳۸۸

^۲. مؤسسه بیزنس مانیاتور در گزارش سه ماهه دوم سال ۲۰۰۹
^۳. مسعود نیلی، اقتصاددان و طراح طرح توسعه اقتصادی سوم روز چهارشنبه ۲۶ فروردین ماه در گفتگو با خبرگزاری ایلنا

پاشایی فام معاون اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی گفته است که اگر قیمت متوسط نفت ۳۵ دلار در بشکه بماند بین حداقل ۱۹ هزار ۵۰۰ تومان و حداکثر ۲۶ هزار تومان یارانه نقدی به دهک های پائین درآمدی جامعه پرداخت می شود. این در حالیست که همزمان، افزایش قیمت های بنزین، گاز، برق، گازوئیل، نفت سفید و نفت کوره در دستور کار دولت قرار گرفته است.^۶

اتلاف منابع در ایران مختص یارانه ها نیست بطوریکه که دولت خود بیشترین سهم بودجه را دریافت می کند. بر پایه آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی، دولت در سال گذشته و غالباً در چارچوب طرح بنگاه های زود بازده اقتصادی روی هم ۱۸ هزار میلیارد تومان به افرادی وام داده که فقط ۴ درصد این رقم را در طرح های پیشنهادی خود هزینه کرده اند. باز بر اساس همین آمار ۴۴٪ طرح های ارایه شده بخشی از وام های خود را دریافت نموده اند و ۵۱٪ طرح های تعریف شده هیچ وامی نگرفته اند.^۷

آمار بیکاری نیز در ایران، یکی از پرمناقشه ترین مباحث سیاسی و اقتصادی است. اقتصاد ایران که بر اساس آمار رسمی در ابتدای سال جاری با بیش از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بیکار روبرو بود، پیش بینی می شود که با تغییرات بخش صنعت و به ویژه بخش ساختمان با ۳ تا ۳۰۵ میلیون نفر بیکار در سال ۸۸ روبرو شود. این در حالی است که به گفته وزیر کار و امور اجتماعی، محمد جهرمی، اگر سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد نشود، ۴ درصد بر نرخ بیکاری کشور اضافه می شود.^۸

خانه کارگر نرخ بیکاری را ۱۶ درصد برآورد می کند. بانک جهانی پیش بینی میکند که نرخ بیکاری تا پایان سال ۲۰۱۰ میلادی به مرز ۲۳ درصد جمعیت فعال کشور خواهد رسید.^۹ این نرخ، بیشترین نرخ بیکاری در دهه اخیر در ایران خواهد بود. از سوی دیگر، نرخ تورم از ۱۲ درصد در سال ۸۴ به ۲۵ درصد در سال ۸۷ رسیده است. بیش از ۹ میلیون ایرانی در کشور زیر خط فقر شدید و مطلق زندگی میکنند.^{۱۰}

^۶ حذف یارانه ها یا پایان "ضیافت نفت"، ناصر اعتمادی، ۲۰۰۸/۱۲/۳۱،

<http://www.rfi.fr>

^۷ همان منبع

^۸ روزنامه خراسان، صفحه ۰۹ اجتماعی، ۸۷۱۲۱۲، فاطمه قنبری

^۹ www.aftabnews.ir و روزنامه دنیای اقتصاد (۸۴/۸/۵)

^{۱۰} گزارش مصری وزیر رفاه و تامین اجتماعی در جلسه کمیسیون اجتماعی

مجلس، <http://www.socialmaladies.blogfa.com>

حتی بر سر تعریف اشتغال و بیکاری هم مناقشه بوجود آمده است.^{۱۱} در سال ۸۴ فرد شاغل به کسی اطلاق شد که در هفته مرجع تنها یک ساعت کار کرده باشد. با همین معیار ۶۰۵٪ جمعیت فعال کشور، یعنی ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر از شمول بیکاران حذف شدند. در آمارگیری بیکاران، زنان خانه دار و دانشجویان بخشی از جمعیت فعال به شمار نمی روند و در نتیجه شاغل یا بیکار هم حساب نمی شوند. از طرف دیگر، در محاسبه های مرکز آمار ایران سربازان وظیفه جزء شاغلان به حساب می آیند، در حالی که در غالب کشورها این گروه جزء شاغلان در نظر گرفته نمی شوند.^{۱۲} بر اساس برآوردهای برنامه چهارم توسعه سالانه ۷۰۰ هزار نیروی تازه نفس به جمعیت فعال کشور اضافه می شود. از سوی دیگر، مرکز آمار ایران اعلام می کند که در سال های ۸۴ تا ۸۶ تنها ۱۴۰ هزار نفر سالانه به جمعیت فعال کشور اضافه شده است. مطالعات دیگر نشان می دهند که در حال حاضر ۷۴٪ نیروی شاغل کشور را کارگران قراردادی تشکیل می دهند.

در خصوص کاهش شکاف طبقاتی، طبق اعلام رئیس جمهور محترم، ضریب جینی سال ۸۷، ۰۰۳۹۸۱ بوده است، از طرفی مطالعات آماری نشان می دهند که هزینه هر خانوار شهری از ۵۱۴ هزار تومان در سال ۸۳ با ۵۹٪ رشد به ۸۱۳ هزار تومان افزایش یافته است. چنانچه این هزینه را در تورم ۲۵ درصدی سال ۸۷ تاثیر دهیم، هزینه هر خانوار شهری در پایان سال ۸۷ بالغ بر ۱ میلیون و ۲۰ هزار تومان می شود که ناشر رشد ۹۸ درصدی هزینه هر خانوار شهری است.^{۱۳}

ناگفته پیداست که کشور پهناور ایران دارای منابع و ذخایر بزرگ انرژی است. در حال حاضر تعداد ۸۵ میدان نفتی کشف شده در کشور وجود دارد. از لحاظ ذخایر گازی، ایران دومین مقام را در

^{۱۱} تعریف سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۸۳: فرد شاغل به کسی گفته می شود که در هفته مرجع، یعنی در هفته سرشماری، دو روز یعنی شانزده ساعت کار کرده باشد.

^{۱۲} وزیر محترم کار جمهوری اسلامی، در تعریف اشتغال و بیکاری گفته است: "بیکار کسی است که مهارت انجام حداقل یک شغل را داشته، ولی نتوانسته است شغلی پیدا کند. پس اگر فردی مهارت انجام یک شغل را نداشته باشد، نمی تواند بگوید که بیکار است. ولی می تواند بگوید که فاقد مهارت است. ۷۰٪ بیکاران ثبت نام شده کشور فاقد مهارت حرفه ای هستند". بنابراین به نظر می رسد که ۷۰٪ بیکاران رسمی یا سرشماری شده کشور هم بیکار نیستند.

^{۱۳} حذف یارانه ها یا پایان "ضیافت نفت"، ناصر اعتمادی، ۲۰۰۸/۱۲/۳۱،

<http://www.rfi.fr>

جهان دارد. ذخایر گازی باقیمانده در ایران در حدود ۲۶۱۶ تریلیون متر مکعب می‌باشد. منابع دیگر انرژی مثل ذغال سنگ و ... نیز در کشور وجود دارد.

اما اگر چه افزایش بارندگی در ماههای اخیر، برخی نگرانی‌ها در مورد جیره بندی آب در کشور را تا حدودی برطرف کرد، اما، مدیران وزارت نیرو از وقوع خاموشی‌های برق در تابستان امسال خبر می‌دهند.^{۱۴}

قریب ۳۸٪ یارانه‌های سوخت در سال ۱۳۸۵ در بخش خانگی و حمل نقل شخصی (اعم از خودروهای خصوصی و موتورسیکلت‌ها) مصرف شده و اگر ۳٪ تجاری را به این رقم بیافزاییم به نرخ ۴۱٪ دست می‌یابیم.^{۱۵} پشتیبانی از خودروسازان دولتی، در حالی ادامه دارد که حداقل ۵۰٪ خودروهای تولیدی، بیش از دو برابر استانداردهای جهانی سوخت مصرف کرده و هوا را آلوده می‌کنند. همچنین هنوز بیش از ۹۰٪ کالاهای کشور توسط کامیون‌ها حمل می‌شوند.

برای کلان شهری مانند تهران، طرح روشنایی و نورپردازی فضای شهری وجود ندارد.^{۱۶} طبق آمار ارائه شده در سایت آمار وزارت نیرو در سال ۱۳۸۴، 4.305.000.000 Kwh مقدار برقی است که وزارت نیرو برای روشنایی معابر به فروش می‌رساند. از طرفی بسته به نوع سرپوش هر روشنایی که وظیفه هدایت پرتوهای نور لامپ را برعهده دارد هر سرپوش نامناسب از ۳۰٪ تا ۴۰٪ اتلاف انرژی را دربر دارد.

بر اساس پیمایشی در تهران، نمونه‌های استفاده غیر استاندارد از نور در بیشتر کوچه و خیابانهای کشورمان به کرات به چشم می‌خورد. به عنوان مثال میزان شدت روشنایی که بطور متوسط در فاصله ۲ متری لامپهای بخار جیوه یا بخار سدیم ۴۰۰ وات بدون حباب یا شیشه محافظ به وجود می‌آید با در نظر نگرفتن اثرات سایر منابع نور، این میزان حدود ۶۵۰ و ۱۳۵۰ لوکس

^{۱۴} مدیرعامل توانیر در گفتگو با روزنامه اعتماد ملی، چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۵. سایت "الف" وابسته به احمد توکلی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس با استناد به ترازنامه انرژی سال ۱۳۸۵ که از سوی دفتر برنامه ریزی کلان برق وزارت نیرو

^{۱۶} مهندس چمران، روزنامه ایران ۱۳۸۷/۹/۳۰: متاسفانه تنظیم نور و روشنایی و نورپردازی‌های رنگی متناسب با محیط‌ها نیست و مکان‌هایی را داریم که نور به اندازه کافی ندارد و درعوض برای مکان‌هایی دیگر به علت جلب مشتری بیش از حد از نور استفاده شده است.

است که به تنهایی ۲/۶ و ۵/۴ برابر میزان استاندارد روشنایی در کارهای نیمه دقیق یعنی ۲۵۰ لوکس می‌باشد.^{۱۷}

این در حالیست که طراحی مناسب روشنایی منازل و معابر یکی از سریع‌ترین و ساده‌ترین روشهای اصلاح الکوی مصرف انرژی در دنیا تلقی می‌شود. اگر هر خانواده فقط یک لامپ ۱۰۰ وات از مصرف خود بکاهد در سال ۱ میلیارد kwh برابر ۲،۷ میلیون بشکه نفت و ۱۲،۸۷ میلیارد تومان در مصرف برق روشنایی کشور صرفه جویی می‌شود.

مصرف انرژی در صنعت بین ۱/۵ تا ۲/۵ برابر متوسط جهانی است. ۴۵ درصد مصرف برق کشور خانگی است. بطور کلی در ایران ۱۳ برابر کشور ژاپن، سه برابر ترکیه و پنج برابر اندونزی برق مصرف می‌شود.^{۱۸}

واژه شناسی

واژه «اسراف» در لغت به معنی «گراف کاری کردن، در گذشتن از حد میانه، تلف کردن مال، ولخرجی کردن آمده است»^{۱۹}، راغب می‌گوید: «سرف به معنای تجاوز کردن از حد، در هر کاری است که از انسان سر بزند. گرچه کاربرد آن در هزینه کردن مال بیشتر است.»^{۲۰} و گاهی به خروج از اعتدال در مقدار خرج مال و زمانی هم به چگونگی بذل مال و مورد آن گفته می‌شود و «تبذیر» در لغت به معنای پراکندن و پریشان ساختن است.^{۲۱}

«راغب» می‌نویسد: «تبذیر به معنای پراکنده کردن است و اصل آن پاشیدن بذر است و به هر کس که مالش را ضایع می‌کند، گفته می‌شود.»^{۲۲} واژه اسراف تنها یک واژه اقتصادی نبوده و کاربرد آن منحصر به امور مالی نیست، بلکه این واژه قبل از آنکه نشانه جرم در امور اقتصادی باشد، بیانگر وضعیت

^{۱۷} گردآوری و محاسبه از سید محمد مهدی میرزاخلیل، سید حامد میرزاخلیل، <http://www.lightpollution.ir>

^{۱۸} سایت خبری وزارت نیرو، حسین لوایی مدیرعامل سازمان بهره‌وری انرژی در همایش استانداردسازی روشنایی در پارک‌ها و فضای سبز، پژوهشکده نیرو، ۱۳ اسفند ۱۳۸۶

^{۱۹} محمد معین، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۶۶.

^{۲۰} السرف، تَجَاوَزُ الْحَدِّ فِي كُلِّ فِعْلٍ يَفْعَلُهُ الْإِنْسَانُ وَإِنْ كَانَ ذَلِكَ فِي الْإِنْفَاقِ أَشْهَرُ، الراغب الاصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ هـ، ص ۴۰۷ (ماده سرف).

^{۲۱} فرهنگ معین، ص ۱۰۲۱.

^{۲۲} التبذیرُ التفریقُ واصله القاء البذر و طرحه فاستعیر لكل مضیع لماله، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۱۳.

نامناسب و غیرمعقول مدیریتی شخص یا جامعه مسرف است که خود نوعی تجاوز و بی‌اعتنایی به اخلاق دینی و انسانی است. به کارگیری این واژه در قرآن کریم و ادعیه مأثوره درباره تجاوز از مرز شرع و خصلت‌های انسانی و گام نهادن به وادی گناه و معصیت بسیار است^{۲۳}؛

بنابراین اسراف با تبذیر معنای نزدیکی دارد با این تفاوت که اسراف بیشتر در زیاده روی در مصرف به کار می‌رود و حتی ممکن است در ظاهر، چیزی هدر نشود، ولی تبذیر، هدر دادن مال و اتلاف آن می‌باشد و کاربرد زبانی آن، هنگامی است که امکانات بسیاری بیهوده نابود گردد. افزون بر آن، با توجه به مفهوم لغوی اسراف، گستره اسراف تمام افعال آدمی را در بر می‌گیرد، چنانکه پیامبر اعظم (ص) فرمودند: «... و فی کل شیء اسراف؛ در هر چیزی اسراف است»^{۲۴}؛ در حالی که کاربرد تبذیر، اختصاص به امور مالی دارد، هر چند در روایات، گاه در یک معنا استعمال می‌شوند. تشخیص تبذیر با توجه به مفهوم آن، چندان دشوار نیست، چه اینکه هر گونه هدر دادن و اتلاف ثروت، کالا و امکانات، تبذیر به شمار می‌رود و مبدّر به معنای کسی است که مال خود را به گونه‌ای متفرّق و پراکنده می‌کند که از بین می‌رود.^{۲۵}

دیدگاه قرآن

از دیدگاه قرآن اسراف یکی از نکوهیده‌ترین امور است حتی آن را یک عمل فرعون‌ی دانسته^{۲۶}، و علاوه بر آن اسراف‌کنندگان را اصحاب دوزخ می‌شمارد.^{۲۷} در آیات و روایات فراوانی از آن مذمت شده است:

و مسرفان را هلاک نمودیم. (سوره ۲۱ آیه ۹)

همانا خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغ‌گوست هدایت نمی‌کند. (سوره ۴۰ آیه ۲۸)

و هرگز اسراف و تبذیر مکن. (سوره ۱۷ آیه ۲۶)

همانا تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند. (سوره ۱۷ آیه ۲۷)

و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد. (سوره ۶ آیه ۱۴۱)

زیرا فرعون، الگوی اسرافکاران در زمین بود. (سوره ۱۰ آیه ۸۳)

بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد. (سوره ۷ آیه ۳۱)

و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید. (سوره ۲۶ آیه ۱۵۱)

و همانا مسرفان اهل آتشند. (سوره ۴۰ آیه ۴۳)

و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌کنند و بخل هم نوزند، بلکه در احسان میانه رو و معتدل باشند. (سوره ۲۵ آیه ۶۷)

دیدگاه روایات

از دیدگاه روایات، تمام واجبات و محرمات دینی، حدود الهی است و هر گونه تغییر در احکام یا عمل نکردن به آن، خروج از حد است و ممنوع می‌باشد. بنابراین ترک واجبات، گناهکاری و تغییر در احکام الهی، از مصادیق اسراف به شمار می‌رود.^{۲۸}

علی (ع) می‌فرمایند:

خرج کردن مال در غیر جائیکه باید خرج شود تبذیر و اسراف است... آنچه بیش از حد کفاف باشد اسراف است... نوک قلم‌هایتان را ریز کنید، سطور را به هم نزدیک کنید، کلمات زیادی را نسبت به من (در نوشتن گزارش) حذف کنید محتوی و مفهوم اصلی را بیان کنید. از زیاد نوشتن بپرهیزید، به درستی که اموال مسلمین قبول ضرر نمی‌کند.

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

اسراف علت فقر و میانه روی سبب غنی و آباد شدن کشور است. اسراف برکت را از بین می‌برد... دعای اسراف کننده مستجاب نمی‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

سخاوتمند باش ولی تبذیر نکن؛ حسابگر باش ولی خستت به خرج مده! ...

در این باره، چند روایت دیگر نیز از امام صادق علیه السلام وارد شده است:^{۲۹}

پرهیزکار باش و اسراف مکن و تنگ‌نگیر! بلکه میانه‌روی پیشه کن... کمترین نوع اسراف این است که ته مانده‌ی آب در لیوان را دور بریزی... یکی از موارد اسراف این است که لباسی را که

^{۲۳} آل عمران/ ۱۴۷، «وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أُمْرِنَا وَتَبَتْ أَعْدَامُنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛

زمر/ ۵۳، «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»؛

^{۲۴} کنز العمال، حدیث ۲۶۲۴۸

^{۲۵} پرهیز از اسراف و تبذیر، علی‌خانی، روزنامه رسالت، ۸۸/۲/۵

^{۲۶} . یونس/ ۸۳، «وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ.»

^{۲۷} غافر/ ۴۳، «إِنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»

^{۲۸} . (آل عمران/ ۱۴۷ و زمر/ ۵۳).

^{۲۹} . بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۰۲ تا ۳۰۵ . بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۴ تا ۳۴۹

کاری اسراف باشد، در حالی که برای توانگر، خرید همان کالا انتقاد عرف را بر نمی انگیزاند.^{۳۱}

فقیهان شیعه از دیرباز، با پدیده عرف آشنا بوده و آن را در دانش‌های فقه و اصول به کار می‌بسته و مورد توجه قرار می‌داده‌اند. غالباً از "عرف" با واژه‌هایی همچون "و" "عادت" "نام برده می‌شد. این مهم نیز با پدید آمدن برخی نوشته‌های اصولی و فقهی به همت دانشورانی همچون مرحوم محمدرضا آل مظفر، شهید سید محمد باقر صدر، سید محمدتقی حکیم و مرحوم استاد محمدجواد مغنیه جامه عمل به خود پوشید و بحث درباره "عرف عملی" در متن مباحث فقهی و اصولی قرار گرفت.

حضرت امام خمینی (ره) از فقیهان اندیشورز و مجتهدان اصولی پرورش یافته در مدرسه فقهی قم به شمار می‌آیند. امام راحل (ره) اگر چه از یک سو، پرورش یافته مدرسه قم و وام دار اندیشه‌های فقهی فقیهان آن به شمار می‌آیند، اما از دیگر سو، از جمله فقیهان آشنا به اندیشه فقهی فقیهان مدرسه نجف می‌باشند، به ویژه که مدتی در هر دو مدرسه فقهی به تدریس فقه پرداخته‌اند.

عرف پدیده‌ای است اجتماعی که به تنظیم روابط انسان‌ها و حفظ تفاهم و سازش بین آنان می‌پردازد. این پدیده همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی، این ویژگی را داراست که با اختلاف زمان و مکان دگرگون شده و در هر زمان و مکان به شکل و گونه‌ای خاص خودنمایی کند. این تحول و دگرگونی عرف، تحول و دگرگونی حکم و فتوا را در پی خواهد داشت. بدین روی حضرت امام (ره) فقیهان و مجتهدان را به تاثیر دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد توجه می‌دهند و بر این باورند که مجتهد باید با توجه به شناخت زمان و عرف زمان خویش، در صدور حکم و فتوا قلم فرساید، هر چند فتوای او برخلاف فتاوی فقیهان پیشین تلقی گردد.^{۳۲}

^{۳۱} پرهیز از اسراف و تبذیر، علی خانی، روزنامه رسالت، ۸۸/۲/۵

^{۳۲} به عنوان نمونه، ر. ک. به: المقنعه، ص ۵۲۲ و ۵۳۸، جواهر الفقه، ص ۱۳۶، المذهب، ج ۱، ص ۴۲۴ و ۴۳۰ و ۴۷۶، شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۷۱۵ و ج ۴، ص ۷۷۰.

^{۳۳} عرف از دیدگاه امام خمینی، سید علی جبار گلبنی، مجله حضور، شماره

مایه آبروی تو است (مثل لباس مخصوص مهمانی) در جایی که باید لباس ساده بپوشی، به تن کنی... خداوند اموال دنیا را در نزد کسانی که خواسته به امانت گذاشته و اجازه فرموده که تا حد اعتدال و دور از اسراف از آن استفاده کنند بخورند و بیاشامند، بپوشند و ازدواج کنند و مرکب سواری بخرند و سپس به فقرای مؤمنین رسیدگی کنند و احتیاجات آنها را برآورند. هر کس چنین کند، خوردن و پوشیدن و سواری اش حلال است و هر کس نکند، بر او حرام است... اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد. آیا با مالی که خداوند به او داده باید اسب ده هزار دره می بخرد در حالی که اسب بیست دره می هم برای او کافی است؟! اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی دارد... میانه روی امری است که خداوند آن را دوست دارد و اسراف و زیاده روی امری است که خداوند آن را دشمن می دارد. حتی اگر هسته ای را بی جا دور بیندازی یا زیادی آب را دور بریزی اسراف است.

نقش عرف در تشخیص اسراف و تبذیر

ملاک دیگر در موضوع شناسی اسراف، عرف است؛ اصولاً مصرف مال در راه مصالح شخصی و زن و فرزند و یا انفاق آن برای مصالح دیگران، هر کدام محدود به حدی است که عرف جامعه آن را براساس اوضاع اقتصادی هر زمان و بر پایه وضعیت مالی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی هر شخص تعیین و تحدید می نماید و همانگونه که کم روی از آن، مصداق بخل است و اگر موجب از بین بردن حق واجبی شود حرام و معصیت است، زیاده روی و تجاوز از آن نیز به معنای خروج از حد اعتدال و ورود به جرگه مسرفین خواهد بود. از دیدگاه عرف و بر اساس برخی روایات، اسراف در امور مالی امری نسبی شمرده شده است که نسبت به افراد و شرایط اقتصادی آنان، زمانها و مکانها، تغییر می یابد. به بیان دیگر، مصرف مقدار مشخص از یک کالا ممکن است برای فردی اسراف به شمار آید و برای دیگری، میانه روی. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: "چه بسا فقیری که اسرافکارتر از ثروتمند باشد. (راوی گوید): گفتم: چگونه فقیر اسرافکارتر از غنی است؟ فرمود: زیرا توانگر از آنچه دارد خرج می کند ولی فقیر بدون دارا بودن مال، هزینه می نماید"^{۳۰} یعنی ممکن است فقیر کالایی را بخرد که با توجه به درآمد محدودش تعادل میان دخل و خرج وی بر هم خورد و در نگاه عرف، چنین

^{۳۰} الفروع من الکافی، ج ۳، ص ۵۶۲

زمان و مکان، دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مساله‌ای که در قدیم، دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مساله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر، با قدیم فرقی نکرده است، واقعا موضوع جدیدی شده است که قهرا حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد.^{۳۴}

حضرت امام (ره) بر این سخن است که واژه "عرف" یک واژه مجعول و تاسیسی از سوی شارع مقدس نیست؛ چنان که شرع نیز برای این پدیده تعریفی ارائه نداده است، در تاثیر از ادبیات جدید فقه عصر خویش، عرف را همان بنای عقلا می‌شمارند.

اماره‌های عقلایی [آن اموری است] که عقلا در داد و ستدها، تدبیرهای اجتماعی و به طور خلاصه در تمامی شئون زندگی خویش، بدانها عمل می‌کنند به گونه‌ای که اگر شارع ایشان را از عمل به آن‌ها باز دارد نظام جامعه فرو می‌پاشد و چرخه حیات اجتماعی انسان‌ها از حرکت باز می‌ایستد.

بنابراین، می‌توان گفت: تعریف "عرف" نزد امام راحل (ره) عبارت است از: روش عمومی و همگانی توده مردم (عقلا) در محاورات، معاملات، سیاست و دیگر امور و روابط زندگی اجتماعی.^{۳۵}

پیامدهای اسراف و تبذیر^{۳۶}

الف. آثار دنیوی:

۱. کم برکتی^{۳۷}

۲. زوال نعمت^{۳۸}

۳. ورشکستگی

خیلی از افراد به خاطر داشتن ثروت زیاد دست به انواع ریخت و پاشها و ولخرجی می‌زنند و چون دارای ثروت هستند، ترسی از آینده ندارند، غافل از اینکه ولخرجی موجب مفلسی و بینوایی است.

علی علیه‌السلام فرمودند:^{۳۹} هر کس به ریخت و پاش افتخار کند، با تهیدستی (ورشکستگی) کوچک می‌شود.
۴. فقر

آنهایی با اسراف، امکانات مادی بیشتری را صرف هوسهای خود می‌کنند، سرانجامی جز تهیدستی و شکست اقتصادی در انتظارشان نیست.

علی علیه‌السلام فرمودند:^{۴۰} اسراف سبب فقر است.

امام صادق علیه‌السلام به عبید فرمودند:^{۴۱} ای عبید! اسراف باعث فقر می‌شود و میانه‌روی موجب بی‌نیازی می‌گردد.
۵. نابودی امکانات^{۴۲}

۶. بخل

جود و بخشش مورد توجه دین و اولیای الهی است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ولخرجی و افراط در مصرف، یکی از آفتهای این فضیلت اخلاقی بیان شده است:^{۴۳} اسراف آفت سخاوت است. یعنی، اسراف و تبذیر فرد باعث می‌شود که نتواند جود و بخشش داشته باشد و به این صفت اخلاقی عمل کند.

۷. بیماری جسمی

عامل اصلی تشکیل مواد مزاحم و زباله های بدن، اسراف و زیاده‌روی در تغذیه و به اصطلاح «پرخوری» است و برای جلوگیری از آن راهی جز رعایت اعتدال در غذا نیست.^{۴۴} بی‌جهت نیست که علی بن حسین واقف در جواب طیب مسیحی که پرسید: در کتاب شما چیزی از علم طب نیست، در حالی که علم دو تاست، علم پزشکی و علم ادیان. گفت: خداوند تمام پزشکی را در نصف آیه جمع کرده است:^{۴۵} «بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید.» و پیامبر ما تمام پزشکی را در یک جمله

^{۳۹} مَنْ أَفْتَحَرَ بِالتَّبَذِيرِ اخْتَقَرَ بِالْأَفْلَاسِ ، همان ، ح ۸۱۴۱ .

^{۴۰} سَبَبُ الْفَقْرِ الْإِسْرَافُ ، الکافی ، ج ۴ ، ص ۵۳ ، ح ۸ .

^{۴۱} يَا عُبَيْدُ إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْعِنَى ، الکافی ، ج ۴ ، ص ۵۳ ، ح ۸ .

^{۴۲} الْإِسْرَافُ يُفْنِي الْجَزِيلَ ، غررالحکم ، ح ۸۱۱۸ و الْإِسْرَافُ يُفْنِي الْكَثِيرَ ، همان ، ح ۸۱۱۹ .

^{۴۳} أَفَةُ الْجُودِ السَّرْفُ ، همان ، ح ۸۲۲۶ ؛ همچنین ، أَفَةُ الْجُودِ التَّبَذِيرُ .

(همان ، ح ۸۶۲۶) .

^{۴۴} تفسیر نمونه ، ج ۶ ، ص ۱۵۲ .

^{۴۵} كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا ، اعراف / ۳۱ .

^{۳۴} صحیفه امام ، ج ۲۱ ، ص ۲۸۹ .

^{۳۵} لازم به ذکر است که اگرچه حضرت امام (ره) گاه در کنار واژه "عرف" ، واژه "عقلا" را قرار داده و یا گاهی از پدیده عرف با واژه "عقلا" نام برده‌اند و یا در تعریف و توصیف آن از واژه "عقلا" بهره برده اند، با این همه، به هیچ روی به یگانگی عقل و عرف و لزوم دخالت آن در تکون عرف باور نداشته اند، بلکه ایشان عرف را در برابر عقل قرار داده‌اند.

^{۳۶} آثار تخریبی اسراف و تبذیر، محمد سبحانی

^{۳۷} إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قِلَّةَ الْبِرِّكَهْ ، الکافی ، ج ۴ ، ص ۵۵ ، حدیث ۳

^{۳۸} الْقَصْدُ مَثْرَاءٌ وَالسَّرْفُ مَثْوَاءٌ ، همان ، ص ۵۲ ، حدیث ۴ و مَنِ اقْتَصَدَ وَقَبِعَ

بَقِيَّتْ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ وَمَنْ بَدَّرَ وَأَسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النِّعْمَةُ ، تحف العقول ، ص ۴۰۳

خلاصه کردند و فرمودند: ^{۴۶} «معه خانه هر بیماری و پرهیز برترین داروست.» طبیب مسیحی گفت: قرآن و پیامبر شما چیزی از پزشکی برای جالینوس باقی نگذاشته‌اند. ^{۴۷}

۸. محرومیت از هدایت

«خدا کسی را که افراط کار دروغ زن باشد، هدایت نمی‌کند.» به عبارت دیگر اسراف از آنها سلب توفیق کرده، بهره‌ای از بینات نمی‌برند و در نتیجه در وادی ضلالت و گمراهی باقی می‌مانند. ^{۴۸}

۹. بی‌مروتی

علی علیه‌السلام فرمودند: ^{۴۹} از جوانمردی است که میانه‌روی کنی و زیاده روی ننمایی و چون وعده دادی خلف وعده نکنی. ^{۵۰}

۱۰. از بین رفتن شرافت

۱۱. سلب توفیق

آنهایی که اهل ولخرجی و اسراف هستند، دستشان از انجام کارهایی که فایده عمومی دارد، کوتاه است. رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی می‌فرمایند: ^{۵۱} نشانه اسرافکار چهار چیز است: به کارهای باطل می‌نازد، آنچه را فراخور حالش نیست می‌خورد، در انجام کارهای خیر بی‌رغبت است و هر کس را که به او سودی نرساند، انکار می‌کند.

۱۲. عدم استجاب دعا

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: ^{۵۲} چهار دسته هستند که دعایشان مستجاب نمی‌شود... و مردی که مالی داشته که آن را ضایع کرده و می‌گوید: خدایا به من روزی بده، به او گفته می‌شود: آیا تو را به میانه روی امر نکردم؟ آیا به تو دستور اصلاح [در مال] را ندادم.

ب. آثار اخروی

۱. خشم الهی ^{۵۳}

امام جعفر صادق علیه‌السلام هم در این زمینه فرمودند: ^{۵۴} اسراف از اموری است که مورد غضب خداست.

۲. کیفر اخروی

کسانی که از ذکر خدا روی گردانده، آیات او را فراموش کنند همچنین آنهایی که نعمتهای خدادادی چون چشم و گوش و عقل را در مسیر نادرست به کار گرفته، آنها را بیهوده بر باد دهند، نه تنها گرفتار فقر و تنگدستی در دنیا می‌شوند، بلکه عذاب اخروی نیز در انتظار آنها خواهد بود: ^{۵۵} «و این گونه هر که را به افراط گراییده و به نشانه‌های پروردگار ایمان نیاورده است، سزا می‌دهیم و قطعاً عذاب آخرت سخت‌تر و پایدارتر است.» همچنین فرمود: ^{۵۶} «و افراط‌گران همدمان آتشند.»

۳. خواری قیامت

وقتی امیرمؤمنان علیه‌السلام در عطایای بیت المال رعایت مساوات کردند، عده‌ای از خودخواهان بر حضرت ایراد گرفته، آن را برخلاف سیاست دانستند. حضرت ضمن ایراد خطبه‌ای به آنها فرمود: ^{۵۷} آگاه باشید که بخشیدن مال در غیر حقش تبذیر و اسراف است. این کار در دنیا انجام دهنده آن را بالا می‌برد ولی در آخرت موجب سرافکنندگی وی می‌گردد و در میان مردم گرامیش می‌نماید ولی در نزد خداوند خوارش می‌سازد. هیچ کس مال خودش را در غیر مورد حقش مصرف نکرد و به غیراهلش نسپرد جز اینکه خداوند او را از سپاس‌گذاری آنان محروم ساخت و محبتشان با دیگری بود.

۴. هلاکت

خدای منان می‌فرماید: ^{۵۸} «سپس وعده (خود) به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هر که را خواستیم نجات دادیم و افراط‌کاران را به هلاکت رساندیم.»

^{۴۶} الْمَعْدَةُ بَيْتُ كُلِّ دَاءٍ وَالْحَمِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ ، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۴۱۲؛ نهج الفصاحة، ج ۲، ص ۳۲۰، ح ۱۹۱۱.

^{۴۷} همان.

^{۴۸} .إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ، غافر/ ۲۸.

^{۴۹} .مِنَ الْمَرْوَةِ أَنْ تَقْصِدَ فَلَا تُسْرِفَ وَتَعِدْ فَلَا تُخْلِفْ ، غررالحکم، ح ۸۱۳۱، همچنین حدیث ۵۲۹۲.

^{۵۰} .مَنْ أَسْرَفَ الشَّرْفَ الْكَفَّ عَنِ التَّبَذِيرِ وَالسَّرْفِ ، همان، ح ۸۱۴۳.

^{۵۱} .أَمَّا غَلَامَةُ الْمُسْرِفِ فَارْتِعَةُ: الْفَخْرُ بِالْبَاطِلِ وَيَأْكُلُ مَالِيَسَ عِنْدَهُ وَيَزْهَدُ فِي إِصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ وَيُنْكِرُ مَنْ لَا يَنْتَفِعُ بِشَيْءٍ مِنْهُ ، تحف العقول، ص ۲۱.

^{۵۲} .أَرْبَعَةٌ لَا تُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ... وَ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَفْسَدَهُ فَيَقُولُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فَيُقَالُ لَهُ أَلَمْ أَمُرْكَ بِالْإِقْتِصَادِ، أَلَمْ أَمُرْكَ بِالْإِصْلَاحِ ، الكافي، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۲.

^{۵۳} .وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ، انعام/ ۱۴۱.

^{۵۴} .إِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ، الكافي، ج ۴، ص ۵۲، ح ۲.

^{۵۵} .وَكذَلِكَ نُجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلِعَذَابِ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ، طه/ ۱۲۷.

^{۵۶} .وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ، غافر/ ۴۳.

^{۵۷} .«...أَلَا وَإِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبَذِيرٌ وَإِسْرَافٌ وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَيُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَيُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَلَمْ يَضَعْ أَمْرًا مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَلَا عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَكَانَ لَغَيْرِهِمْ...» نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.

^{۵۸} .ثُمَّ صَدَقْنَاَهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ، انبياء/ ۹.

علم اقتصاد^{۵۹} عبارت است از دانشی که به تخصیص بهینه کالاها و فرآورده‌ها می‌پردازد. به عبارت دیگر، علمی است که به تفسیر حیات اقتصادی و پدیده‌های آن و ارتباطشان با عوامل کلی آنها اهتمام می‌ورزد. اقتصاد دانشی است که با توجه به کمبود کالا و ابزار تولید و نیازهای نامحدود بشری به تخصیص بهینه کالاها و تولیدات می‌پردازد.^{۶۰} پرسش بنیادین برای دانش اقتصاد مسئله حداکثر شدن رضایت و مطلوبیت انسان‌هاست. این دانش به دو بخش اصلی اقتصاد خرد و کلان تقسیم می‌شود.

اقتصاد خرد به بررسی رفتار اقتصادی انسان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و نحوه توزیع تولیدات و درآمد در بین آنها می‌پردازد. اقتصاد کلان به بررسی مسایل اقتصادی در سطح کلان ملی یک کشور می‌پردازد. حیطه بررسی اقتصاد جهانی را اقتصاد بین الملل به عهده دارد. مسایلی از قبیل ثبات اقتصادی، توازن تراز بازرگانی خارجی، رشد اقتصادی، اشتغال، تورم، مخارج و درآمدهای دولت، رکود اقتصادی، بحران اقتصادی، بیکاری، فقر و اقتصاد توسعه در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بر خلاف اقتصاد خرد رفتارهای فردی شکل دهنده اقتصاد کلان نیست هر چند که از جمع رفتارهای فردی شکل گرفته‌است. اگر افراد به صورت انفرادی پس انداز کنند در سالهای بعد دارای امکانات و قدرت مالی بیشتری خواهند بود و خواهند توانست که از سرمایه جمع شده خود استفاده کنند ولی اگر تمامی افراد جامعه هم‌زمان پس‌انداز خود را افزایش دهند و بخش بیشتری از درآمد خود را پس انداز نمایند مصرف کل اقتصاد پایین می‌آید و این امر موجب کاهش تولید نیز خواهد شد که این امر به کاهش درآمد افراد در آینده منجر می‌شود. از اینرو افزایش پس انداز برای اشخاص مفید می‌تواند باشد ولی برای جامعه به صورت کلی تأثیرات متفاوتی نسبت به تأثیرات فردی آن دارد.^{۶۱} بنابراین طبیعی است که گاهی لازم است از طرح و برنامه‌هایی در سطح ملی (کلان) به نام مبارزه با اسراف اجتناب کرد چرا که باعث افزایش اسراف در سطح زندگی فردی می‌شود و برعکس.^{۶۲}

^{۵۹} Economic Science

^{۶۰} Encyclopedia of Economics, Business Encyclopedia

The Gale Group, Inc, 2001. Business and Finance

^{۶۱} نظریه تناقض پس‌انداز کینز، پدر علم اقتصاد نوین.

^{۶۲} امر کلان مانند حمایت دائم و بی‌قید و شرط نظام از صنعت خودرو با مصالح مختلف، و امر خرد مانند: عدم ترویج حکم شرعی غسل در امور شخصی (کفایت نم دار کردن به جای شستشوی کامل)

در تفسیر و تحلیل رشد و توسعه اقتصادی، پیروان مکاتب اقتصادی کلاسیک، نئو کلاسیک، مکتب کینز و امثال آنها؛ دیدگاه‌های خاص خود را در جهت طراحی نظام اقتصادی مطرح نموده‌اند. به عنوان نمونه، کلاسیکها در مورد بازار آزاد، نئو کلاسیکها در زمینه کارآفرینی، پیروان مکتب شیکاگو در زمینه نقش آموزش، طرفداران فیزیوکراسی^{۶۳} در خصوص کشاورزی و مکتب سوداگران^{۶۴} (مرکانتلیسم) در زمینه مازاد صادرات؛ نظریات ارزشمندی را مطرح نموده‌اند. آیین اسلام نیز، در جهت تنظیم روابط اقتصادی بین انسان‌ها که برای تأمین نیازهای اقتصادی (یا رفع مشکلات اقتصادی) تدوین گردیده و با عدالت اجتماعی مرتبط می‌باشد، قواعدی کلی ارائه نموده که در ابواب اقتصادی فقه اسلامی به تفصیل بیان گردیده است.

نظام اقتصاد اسلامی عبارت است از مجموعه قواعد کلی ارائه شده در اسلام^{۶۵} در زمینه روش تنظیم حیات اقتصادی، حل مشکلات اقتصادی و تأمین عدالت اجتماعی. از آنجاییکه اسلام با مقدم داشتن خواست خدا بر خواست نفس تحقق پیدا می‌کند، پس با مخالفت کردن از این مهم یا دچار نقص و کاستی

^{۶۳} فیزیوکراسی یا فیزیوکراتیسم به معنی تسلط طبیعت و در واقع آموزه اقتصاد ملی طبیعت می‌باشد. دوران حیات این مکتب از سال ۱۷۵۸ هم‌زمان با «تابلوی اقتصادی» دکتر کنه بنیان‌گذار این مکتب تا سال ۱۷۷۶ یعنی در تاریخ انتشار کتاب معروف و ارزشمند «ثروت و ملل» آدام اسمیت می‌باشد.

^{۶۴} این مکتب از قرن شانزدهم تا نیمه قرن هجدهم رواج داشت و بیشترین سهم را در ایجاد خصلت تهاجمی خصومت و رقابت و استعمار در نظام اقتصادی سرمایه داری داشت نظریات مکتب مرکانتلیست اگر چه متناسب با رونق تجارت و اهمیت روز افزون مبادلات بین‌المللی شکل گرفته‌است اما به نوبه خود در تکامل نظام اقتصادی سرمایه داری تجاری و حتی ایجاد زمینه برای پیدایش نظام اقتصادی سرمایه داری صنعتی نقشی در خور توجه داشت. این مکتب مجموعه نظریاتی منسجم ندارد و بیشتر ارائه دهنده نوعی اقتصاد سیاسی است و بیشتر به تعیین جهت سیاست اقتصادی می‌پردازد. هدف‌های سیاستهای اقتصادی این مکتب در رسیدن کشور به ثروت و شهرت خلاصه می‌شود و چون تنها عامل ایجاد ثروت را تجارت می‌داند بیشترین مقررات را در همین زمینه وضع کرده. تمام این مقررات در جهت ایجاد تراز تجاری مثبت است که خود موجب مثبت شدن تراز پرداختها می‌شود. مثبت شدن تراز تجاری کشور از دید مرکانتلیست‌ها از طریق جاری شدن طلا از کشورهای دیگر به کشور خودی می‌باشد که همزمان موجبات تضعیف کشوری که طلا از آن خارج گشته و قدرت یافتن کشوری که طلا به آن وارد گشته می‌شود.

^{۶۵} تسلیم شدن یا گردن نهادن کامل برای آئین خداوند پاک و منزه، و این حقیقت بندگی و عبودیت خداوند یکتای بی‌همتا است همانگونه که می‌فرماید: (آنگاه که پروردگارش بدو گفت تسلیم شو گفت تسلیم پروردگار جهانیان گشتم)

می‌گردد و یا نقض و ابطال می‌شود. آنچه در این میان متفاوت است شریعت و احکام است که بنا به نیازها و مقتضیات هر قوم و زمانی تغییراتی داشته‌است.^{۶۶}

اقتصاد اسلامی بر خلاف اقتصاد غربی، بر قناعت و پرهیز از مصرف‌گرایی تأکید دارد. اقتصاد غربی نیازهای انسان را نامحدود و منابع و امکانات جهان را محدود می‌داند؛ در حالی که در اسلام منابع و امکانات نامحدود معرفی شده‌اند. و اگر بخواهید نعمت‌های خداوند را در شمار بیاورید نمی‌توانید نعمت‌های خداوند را به حد و حصری محدود کنید.^{۶۷}

اسلام مسألهٔ اقتصاد را (بر اساس اصالت انسان) به عنوان جزئی از مجموعه قوانین خود که تنها می‌تواند قسمتی از نواحی حیات انسانی را تنظیم کند، مورد توجه قرار داده و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم می‌داند.^{۶۸} اسلام اقتصاد را در جهت اهداف عالیّهٔ بشر دانسته و بر این اساس، نگرش سوسیالیستی و یا سرمایه‌داری که اقتصاد را مبنا قرار می‌دهند، رد می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد هر آنچه آرامش و آسایش جامعه انسانی را در پی داشته باشد، مورد قبول اسلام است و هر آنچه مانند اسراف و تبذیر باعث اتلاف منابع، اضطراب و استرس زیاد خواهد بود، از نظر دین غیر قابل قبول است.

سیر تاریخی گرایش به مدل اقتصاد اسلامی^{۶۹}

در قرون وسطی علم و حکمت تنها در مدارس کلیسا تدریس می‌شد بنابراین مجموعه علم و حکمت منتسب به مدرسه و بنام

^{۶۶} آیهٔ ۴۸ سوره مائده (ترجمهٔ فولادوند): «و ما این کتاب [قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم، در حالی که تصدیق‌کننده کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست. پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده حکم کن، و از هواپیشان [با دور شدن] از حقی که به سوی تو آمده، پیروی مکن. برای هر یک از شما [امتها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم. و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد، ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده‌است بیازماید. پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت بگیرید. بازگشت [همه] شما به سوی خداست؛ آنگاه در باره آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاهتان خواهد کرد.»

^{۶۷} وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا، سوره ابراهیم، آیه ۳۴

^{۶۸} اقتصاد در مکتب اسلام، امام موسی صدر، مقدمه و پاورقی: علی حجتی کرمانی، مقدمه، ص سیزده

^{۶۹} Islamic Economic Model

اسکولاستیک^{۷۰} معروف شد و طرفداران این مکتب مدرسین نام گرفتند. از نمایندگان این مکتب می‌شود به توماس آکویناس و آلبرتوس ماگنوس اشاره کرد. این مکتب از قرن نهم تا پانزدهم میلادی رواج داشت و هدفش بسط تعالیم حضرت عیسی توسط فلسفه یونان بود. از دیدگاه اقتصادی این مکتب نوعی اقتصاد ملی بر مبنای اخلاق ارائه می‌کند و مسائل اقتصادی تا حدی که مربوط به اخلاق و تعالیم مسیحیت است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مهمترین نظریات این مکتب شناختن حق لوازم زندگی برای افراد انسان است و در پی آن شناخت حق فرد برای داشتن کالاهای مورد نیاز و همچنین درآمدی که بتواند زندگی انسان را در سلسه مراتبی که خداوند مقدر نموده تامین نماید. نقش این مکتب را نباید در شکل‌گیری نظامهای اقتصادی در قرون وسطی نادیده گرفت. دستمزد عادلانه که نه بر اساس عرضه و تقاضای نیروی کار در بازار شکل گرفته باشد بلکه بر اساس اصول اخلاقی مکتب اسکولاستیک، باید تامین‌کننده زندگی متعارفی برای مزد بگیران باشد در کنار سایر تعلیمات این مکتب باعث شد که در طول حیات این مکتب در طی حدود ۶ قرن تضاد طبقاتی میان طبقه کارگر و کارفرما از بین برود.

نظریه قیمت عادلانه نیز در همین ارتباط ارائه شد در واقع قیمت عادلانه قیمتی است که در بر گیرنده هزینه تولید و همچنین شامل سودی باشد که زندگی متعارف تولید کننده یا فروشنده را تامین نماید.

یکی از عواملی که باعث سرعت گرفتن شکل‌گیری نظام سرمایه داری بود کنار گذاشتن آموزه‌های این مکتب در مورد نرخ بهره بود. چون این مکتب علاوه بر اینکه بهره را سودی ناشی از نیاز دیگران و پدیده‌ای غیر اخلاقی می‌دانست معتقد بود بهره ناشی از اختلاف زمان است و چون زمان هدیه الهی است پس منفعت بردن از این هدیه خداوند امری نکوهش شده و از لحاظ اخلاقی محکوم است.

پس از رنسانس در قرن ۱۴، مدل تمدن مرکزی اروپا بوسیله ریزون سروسامان گرفت. شناخت میراث معنوی الهی، تغییر

^{۷۰} اسکولاستیک از ریشه لاتین اسکولا به معنی مدرسه می‌باشد. جهت مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: نظامهای اقتصادی، دکتر حسین نمازی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم ۱۳۸۴؛ مکتبهای اقتصادی، ترجمه جهانگیر افکاری، سازمان انتشارات و آموزش اسلامی چاپ اول ۱۳۶۷

دوره ای هوش انسان، پیشرفت تکنولوژی، ترویج دموکراسی و تبدیل شدن آن به یکی از ساختارهای تشکیل دهنده، تغییرات زیادی در زندگی انسان بوجود آورد.

همزمان با حذف خود بخود کلیساها، ماتریالیسم سکولار نیز اقدام به جایگزینی معنویت الهی با تئوری کرد که طبق آن زندگی انسان محدود به ارضای نیازهای بنیانی او بوده و در آن هیچ اعتقادی به جهان پس از مرگ وجود نداشت. کلیساها و صومعه ها نیز برای ۷۵ سال یا بیشتر، دیگر حرفی از جهنم به زبان نیاوردند و اینگونه شد که شهرهای بوجود آمده در غرب صنعتی و کشورهای در حال توسعه که در حال بکار گیری مدل های توسعه علمی و فنی غربی بودند دچار معضلاتی چون بی ثباتی اقتصادی عدم توازن اقتصادی بین فقر و ثروت و بیماری های اجتماعی مثل خشونت، مواد مخدر و روابط نامشروع نوجوانان شدند.

نظام های سیاسی اروپا در بعد از رنسانس برخلاف سیستم های پادشاهی و ملوک الطوایفی، تبدیل به دولتهای مردمی شدند. این حکومتها از زمان باستان در اشکال دولت یونانی، نمایندگی امپراتور روم، امپراتور مقدس روم و در آخر دولت های ملی اروپایی قرون وسطایی تغییر کرده بودند تا اینکه تبدیل به دولت های دموکراتیک انقلابی شده و محور مشترک آنها زندگی آسوده و امنیت در برار حمله بیگانگان شد.

اروپا در دوره بعد از رنسانس به سمت عقاید انسان محور و انسان برتر متمایل شد که در این عقاید، ابزار اصلی دانش علت ها بود و نه روابط الهی. همه چیز از کتاب مقدس گرفته تا دانش سکولار به صورت تجربی و آزمایشی تبدیل شد تا جاییکه معتقد بودند هیچ چیز وجود ندارد مگر اینکه با یکی از حواس پنجگانه احساس شود. بطوری که حقایق تمدن یونانی برای دانشمندان غربی ناشناخته بود، تازمانی که مرآده با مسلمانان از طریق استانبول به آندلس و شهر بولونیای ایتالیا^{۷۱}، تسهیل شد. البته آسیا خود از بسیاری قبل تر حاوی تمدن های بزرگی چون آشوری، بابلی، چینی، مصری و هندی بوده است.^{۷۲}

پیشرفتهای علمی، تکنولوژی و اقتصادی صورت گرفته در غرب (از بعد از رنسانس) که همراه با توسعه سیاسی و فرهنگی می باشند هنوز نتوانسته اند زمینه ساز خرسندی و رضایت

انسانها شوند و یا یک جامعه عادلانه تر و برابر تر ارائه دهند. از نظر اخلاقی، بیماری های اجتماعی - اقتصادی موجود به همراه عدم پاکدامنی و انسجام در خانواده ها معضلات بزرگی را در چهره اجتماع رقم زده اند. از نظر اقتصادی نیز، رشد سریع و به هر قیمت اقتصادی موجب گرم شدن اقتصاد شده و نرخ بهره در حال زیاد شدن است چرا که باید تورم داخلی کنترل شود ولی همیشه این خطر وجود دارد که نکند این چرخ در مسیر دیگری تاب بخورد و نتایج برعکس شود یعنی سیاست های جلوگیری کننده از تورم، باعث ایجاد رکود شوند.

از طرفی یکی از موضوعاتی که در سالهای اخیر و بیشتر در کشورهای مسلمان مورد توجه قرار گرفته ارائه یک نظام اقتصادی جایگزین به جای سیستم اقتصادی غربی می باشد. یک موج فزاینده از نظریات در کشورهای در حال توسعه در حال شکل گیری است که معتقد است اقتصاد سرمایه داری غرب در حال مشکل فقر و از بین بردن بسیاری از ناهماهنگی اقتصاد شکست خورده است. بسیاری از این راه حل ها با هدف پاسخگویی احتیاجات انسان آزمایش شده اما هنوز انسان قادر نیست که بدون مواجهه با رکود ها و تورم های دوره ای، به یک جامعه رفاه (مبنی بر فرصت های برابر، تعادل بین طبقات و روح تعاون و مشارکت به جای حرص و هرج و مرج) دست پیدا کند. چه بر اساس نظریات سوسیالیسم و چه سرمایه داری، انسان در مرکز دنیا قرار داشته و بوسیله تمایلات پایه ای نسبت به غذا، لذت و ماندگاری، کنترل میشود.^{۷۳}

تاریخچه شکل گیری اقتصاد اسلامی در ایران

تا قبل از دهه ۱۹۴۰، شاهد حرکتی بودیم که اجماع داخلی در برابر تهاجم و الگوهای سلطه مستقیم خارجی را نشان می داد. در این دوران تاریخی، روحانیون نیز در کنار سایر اقشار و طبقات از حریم دین و اسلام در برابر تهاجم فزاینده و مستقیم غرب حمایت می کردند.

از دهه ۱۹۴۰ که ساخت نظام بین الملل دگرگون گردید: ما شاهد ظهور الگوهای جدیدی از «توسعه طلبی»، «ادغام سازی» و «بی محتوی سازی» در کشورهای اسلامی بودیم. لازم به توضیح است که این روند، در رابطه با سایر کشورهای جهان حتی در حوزه مسیحیت نیز شکل گرفته بود.

^{۷۱} که تنها مرکز ترجمه متون عربی به زبان اروپایی بود.

^{۷۲} این جملات که توسط کرنل مارتین برنل در کتاب آتن سیاه مطرح شد بسیاری از دانشمندی که معتقد بودند یونان اولین زمینه ساز تمدن غربی است را بسیار عصبانی کرد.

^{۷۳} باشگاه اندیشه، ترجمه مجتبی شریفی،
<http://daneshnameh.roshd.ir>

جو سنگین نظام سیاسی، امکان بیان واقعیت‌های اجتماعی را از این گروه نیز سلب کرده بود.^{۷۵}

انتشار کتاب حکومت اسلامی توسط امام خمینی به این مفهوم بود که اگر نظام سیاسی دارای مبانی دینی و فقهی باشد، زمینه محیطی و اجتماعی برای ادامه سلطه بیگانگان از بین خواهد رفت. از سوی دیگر، این کتاب، نشان می‌داد که اندیشه جدید دینی برای نظام سیاسی حاکم، مشروعیت قائل نیست، بلکه تمامی مشروعیتها را از آن احکام خدا می‌داند، احکامی که فقها تبیین کننده‌اند. به این ترتیب، مبارزه با سلطه بیگانگان نیز به عنوان ضرورتی دینی تلقی می‌شود. در این رابطه، امام در آغاز درس رسمی حوزه علمیه چنین بیان می‌دارند:

«هر چه موافق دین و قوانین اسلام باشد، ما با کمال تواضع به آن گردن می‌نهمیم و هر چه مخالف دین و قرآن باشد ولو «قانون اساسی» باشد، ولو «التزامات بین المللی» باشد ما با آن مخالفیم».^{۷۶}

تا اینکه در سال ۱۹۷۸، حضرت امام^{۷۷} اعلام نمود که شرکت‌های چندملیتی اقتصاد ایران را در دست گرفته‌اند و محمدرضا شاه به طور برنامه‌ریزی شده‌ای کشاورزی را به نابودی می‌کشد تا به خارجیان فعال در حوزه کشاورزی تجاری کمک کند؛ وی اعلام کرد که هدف اصلیش را در اقتصاد کم شدن وابستگی ایران به غرب قرار خواهد داد؛ و این که اقتصاد بر اساس تعالیم اسلام پایه‌ریزی خواهد شد.^{۷۸}

موج جدید، جلوه‌هایی از «جهان‌گرایی» را به عنوان موتور محرک خود برای یکدست کردن نظام جهانی در پیش گرفته بود و اقتصاد، به عنوان اصلی‌ترین ابزار این روند تلقی می‌شد. در دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۰ علاوه بر موج اقتصادگرایی مبتنی بر بازار آزاد، موج جنگ سرد مبتنی بر مبارزه ایدئولوژیک «سرمایه‌داری» و «سوسیالیسم جهانی» نیز وجود داشته‌است.

در آمریکا، در بخش سرپرستی اقتصادی، از ۱۳ سازمانی که متکفل کارگذاری‌های بین‌الدولی هستند ۱۲ سازمان به صورت مستقیم و غیرمستقیم عهده‌دار امور اقتصادی و در برگیرنده‌ی موضوعات کار، خواروبار و کشاورزی، نظام بانکی و تجارت و حمل و نقل هستند. تمام این سازمان‌ها در اداره‌ی اقتصاد دنیا برای ایجاد نظم نوین جهانی و پیوند زدن کشورها بر حول محور ماده پرستی و تشکیل دهکده‌ی جهانی عهده‌دار ماموریت و مسؤولیت‌های ویژه‌ی خاص خود هستند.^{۷۴}

ابزار مبارزه بانفوذ ساختاری غرب مبتنی بر الگوهای «هویتی» بود. طبیعی بود که مذهب، به عنوان یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های جامعه سنتی، حامل این انگیزش‌های رفتاری و هویتی بود.

در این رابطه، امام خمینی سلطه خارجی را به عنوان اصلی‌ترین تهدید جوامع اسلامی مورد توجه قرار داد. برای مقابله با آن، از مبانی ایدئولوژیک بهره جسته و تسهیلات لازم را برای ایجاد جو انقلابی بکار گرفتند. تحولات سیاسی ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد در جهتی تداوم می‌یافت که آمریکا نفوذ فراگیر خود را در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جامعه افزایش می‌داد. تعداد امریکایی‌ها در ایران افزایش یافت. روابط دیپلماتیک ایران گسترش همه جانبه‌ای پیدا کرد. آمریکا محور تمامی روابط خارجی و اقدامات داخلی محسوب می‌شد. ضرورت‌های نظام دو قطبی و نقش ایران در ائتلاف با غرب، زمینه‌های همکاری فراگیر بین ایران و آمریکا را فراهم می‌آورد. طبیعی بود که در چنین شرایطی، «استبداد سیاسی» نیز در جامعه ایران حاکم باشد. همه چیز به نام کمونیسم سرکوب شده بود. البته دستگاه روحانی به دلیل آنکه از این اتهام مبرا بود به موجودیت سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی خود ادامه می‌داد، اما

^{۷۵} مدیریت و ولایت در مسایل اقتصادی در نگاه امام، محمد مهدی بهداروند
^{۷۶} کارکرد نظام سلطه در روابط بین المللی از دیدگاه امام خمینی (ره)، دکتر

ابراهیم متقی، <http://www.imam-khomeini.com>

^{۷۷} بعد از حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، ساواک، اطلاعاتی را در مورد آیت‌الله خمینی جمع‌آوری می‌کند. در این گزارش برخی از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری امام در این‌اطلاعه چنین آمده‌است: «حاج آقای روح‌الله خمینی در خمین متولد شده، برای تحصیل به قم آمده، چند سال در قم تحصیل کرده، سپس به اصفهان رفته و چند سال هم در آنجا تحصیل کرده، مجدداً به قم آمده و در محضر آقای شیخ عبدالکریم یزدی به تحصیل اشتغال داشته‌است. مدتی هم تحصیل «حکمت» نموده و مجتهد مسلم است. در علوم معقول و منقول بسیار وارد و متخصص است..... شیخ عبدالکریم از او حمایت کرد و او را مامور تدریس فقه و اصول نمود پس از فوت حاج شیخ عبدالکریم، مورد احترام مرحوم بروجردی بوده و از مدرسین درجه اول حوزه علمیه بوده است.

^{۷۸} <http://fa.wikipedia.org>

^{۷۴} مدیریت و ولایت در مسایل اقتصادی در نگاه امام، محمد مهدی بهداروند

<http://www.imam-khomeini.com>

دیدگاه اقتصادی امام خمینی (ره)

امام خمینی قدس سره با توجه به دیدگاه‌های اقتصادی خویش معتقد بود که پیدایش و رواج مستمر «ربا» به عنوان شاهرگ حیات سرمایه‌داری و زیربنای تمامی سازمان‌ها و سیستم‌های اداره‌کننده امور اقتصادی در جوامع تحت‌سلطه و از آن جمله کشورهای اسلامی، به رسمیت و جریان دادن حق «انحصار» منجر گردیده است و این از مصادیق مبرز مدیریت و سلطه‌ی اقتصادی به حساب می‌آید. امام‌قدس سره درمندان این خطر را گوش زد می‌نماید که:

«جهان‌خواران با ایجاد مراکز انحصاری و چندملیتی عملاً نبض اقتصادی جهان را دست گرفته و همه‌ی راه‌های صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و حتی نرخ‌گذاری و بانک‌داری را به خود منتهی نموده‌اند».^{۷۹}

«هر چند که این بلیه (اقتصاد شرق و غرب) دامن‌گیر همه‌ی ملت‌های جهان گردیده است و عملاً بردگی جدید بر همه‌ی ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده‌اند و حق تصمیم‌گیری در مسایل اقتصاد جهان از آن‌ها سلب شده است».^{۸۰}

اینکه مراکز انحصاری و چندملیتی چه نقشی در اقتصاد جهان دارند و چگونه نبض اقتصادی جهان را به فرموده امام‌قدس سره در دست گرفته‌اند؟ بردگی جدید ملت‌ها چه ویژگی‌هایی دارد؟ و چگونه حق تصمیم‌گیری در مسایل اقتصادی جهان از ملت‌ها سلب شده است؟ همه و همه سوالاتی است که حوزه‌های علمیه‌ی ما به عنوان «پرچم‌داران راستین دین و دیانت» با آن روبرو هستند.

«یکی از مسایل بسیار مهمی که بر عهده‌ی علما، فقها و روحانیت است مقابله‌ی جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصاد شرق و غرب و مبارزه با سیاست‌های اقتصاد سرمایه‌داری و اشتراکی در جامعه است».^{۸۱}

موضع‌گیری شفاف و قاطع امام در تمامی عرصه‌ها و خصوصاً عرصه‌ی اقتصاد، عمل بر طبق مبانی فقهی و متخذ از کتاب و

سنت است. گرچه امروزه هنوز دعوای فیما بین مدیریت علمی و مدیریت دینی در بین خواص جامعه، لاینحل باقی مانده، ولی چه جای تامل که امام در تمام عرصه‌ها حجت را بر مسؤولین و سردمداران تمام نموده‌اند. در کیفیت گردش پول و بخش توزیع یعنی «بانک» به خلاف دیدگاه‌های منفعل اعلام می‌نماید که:

.... اصلاح بانک هم یکی از امور بسیار مهم است، چنانچه اصلاح اقتصاد و مالیات و امثال ذلک هم بسیار اهمیت دارد».^{۸۲}

و این در حالیست که امروزه پس از دهها سال ضرورت اصلاح در سیستم نظارت و بازرسی فنی بانکها، به شدت مورد توجه قرار گرفته است.^{۸۳}

امام معتقد بود که: ساده انگاری است، هجوم به بلاد اسلامی فقط در غالب حمله‌ی نظامی و تهدید ناوهای جنگی دیده شود و روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دیگر را به دور از هر گونه خوی و خصلت تجاوزگری انگاشت.

بنابراین بطور خلاصه منشور فکری حضرت امام (ره) در باب اقتصاد مبتنی است بر:

- پرهیز از هرگونه شرطی شدن در مبارزه با قدرت‌های استکبار
- تخصص‌گرایی در عرصه مبارزه و رقابت اقتصادی سیاسی و فرهنگی با قدرت‌های استکبار
- پرهیز از هرگونه شتاب زدگی و ساده لوحی در تغییر یا مقاومت در برابر تغییر

رابطه نگرش نوین فقهی حضرت امام و اقتصاد اسلامی

واژه یا ترکیب «اقتصاد اسلامی» یک مشترک لفظی است که دارای ابعاد مختلفی است. هر یک از صاحب‌نظران و متفکران مرتبط با این حوزه دینی و فکری بر اساس بینش و گرایش‌هایی که داشته‌اند به نحوی بر دامنه ابعاد آن افزوده‌اند. از سوی دیگر گستردگی دامنه بحث و اختلاف در ابعاد آن بیش از همه بیانگر میزان انتظاراتی است که درباره آن وجود دارد. همانطور که گفته شد عمده‌ترین ابهام در تعریف و تبیین وظایف و ابعاد آن ارتباط

^{۸۲} ر.ک: سخنرانی مورخ ۱۳۶۳/۲/۲۵.

^{۸۳} سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین نبازی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور و دکتر دانش جعفری وزیر اقتصاد و دارایی در همایش «الگوهای نوین در نظارت بر تسهیلات و بازرسی داخلی بانکها» در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، یکشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۶

^{۷۹} ر.ک: فریاد برائت.

^{۸۰} همان.

^{۸۱} همان.

و کنترل قیمت‌ها، مسائل پولی و ارزی، بانکداری، مالیات، تجارت داخلی و خارجی، مهار تورم، کنترل و تنظیم جمعیت، ایجاد توازن اقتصادی و از آنها، کمک گیرد.

از این روی، امام خمینی می‌گوید: گاهی یک مسائلی در جامعه‌ها پیش می‌آید که باید یک احکام ثانویه‌ای در کار باشد، آن هم، احکام الهی است منتهی احکام ثانویه الهی. یا می‌گوید: (رد احکام ثانویه، پس از تشخیص موضوع به وسیله عرف کارشناس، با رد احکام اولیه، فرقی ندارند؛ چون هر دو احکام الله، می‌باشند). مصلحت نظام یکی از جمله عنوانهای ثانوی است که جایگاه ویژه‌ای در اندیشه فقهی و سیاسی امام دارد. معظم له، در بسیاری از سخنان و نوشته‌های خویش، و به عنوان نمونه در یکی از پیامها اعلام می‌نمایند که:

(طلاب عزیز، ائمه محترم جمعه و جماعات، روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون باید برای مردم این قضیه ساده را روشن کنند که در اسلام، مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است و همه باید تابع آن باشیم).^{۸۶} در سالهای نخستین انقلاب اسلامی، در نظام حکومتی ما، سخنی از مجمع تشخیص مصلحت نظام نبود، ولی در سالهای بعد و به دلیل برخورد با دشواریها و گره‌های گوناگون در زمینه‌های داخلی و در پیوند با مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و قضایی، بایستگی تشکیل آن، از سوی امام، احساس شد و حتی در متمم قانون اساسی، مورد بررسی و تصویب قرار گرفت. در فرازی از فرمان امام برای تشکیل مجمع تشخیص مصلحت آمده است:

(حضرت آقایان، توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. امروز جهان اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می‌داند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن، ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمانهای دور و نزدیک، زیر سوال ببرد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار، توسط ایادی داخلی و خارجی آنان پیروز گرداند).^{۸۷}

آن با حوزه دین اسلام به عنوان مجموعه معارف مرتبط با وحی که از راه کتاب و سنت به ما رسیده است و حوزه علم اقتصاد که در پی شناسایی و کشف روابط ثابت رفتاری در میان متغیرهای اقتصادی است، می‌باشد. بسیاری از مسلمانان در جوامع اسلامی بر اساس شناختی که از اقتصاد صدر اسلام و موازین شرعی دارند انتظارشان این است که رهبران جامعه و کارگزاران نظام اجتماعی با مبنا قرار دادن این الگوها، مشکلات اجتماعی و اقتصادی امروزین را مرتفع سازند. این مهم به ویژه در طی ۵۰ سال اخیر که جوامع اسلامی با ناکارآمدی الگوهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی مواجه بوده‌اند بروز بیشتری یافته است.

اگر چه انتظارات توده‌های مسلمان از همگونی و سازگاری خواسته‌ها حکایت دارد اما صاحب‌نظران این حوزه فکری بر اساس بینشها و گرایش‌های خود بر ابهام این واژه افزوده‌اند، به ویژه اینکه عمدتاً از آنجا که علم اقتصاد متعارف در بستر تفکر و فلسفه دوران نوزایی^{۸۴} متولد گردیده و نظام انگیزشی و اخلاقی که توصیه نموده لزوماً با مبانی اخلاقی و موازین شرعی اسلام همخوانی نداشته است، پذیرش دستاوردهای آن با تردید همراه بوده است.

حکم ثانوی، حکمی است که بر موضوعی، با توجه به عناوین عارضی آن: اضطرار، اکراه، مقدمیت و... بار می‌شود، مانند جایز بودن خوردن مردار برای کسی که ناگزیر از خوردن است. و جایز بودن افطار در ماه رمضان برای شخصی که روزه برایش زیان آور یا سبب حرج است، در مقابل حکم اولی که بر کارها، به لحاظ عناوین اولی آنها، بار می‌شود، مانند واجب بودن نماز صبح و حرام بودن خوردن مردار.

احکام ثانویه، بخشی از فقه اسلامی است و باید آنها را در متن فقه، جویید و هرگز نباید این بخش را تافته‌ای جدا بافته از فقه و مقوله‌ای بار شده بر آن، انگاشت. امام خمینی، در وصیت نامه سیاسی - الهی خود، تمام ملت‌های مسلمان را به پیروی از احکام اولیه و ثانویه توصیه کرده است.^{۸۵}

احکام ثانوی، بیش از آن که جنبه فردی داشته باشند، نمود و بعد اجتماعی و حکومتی دارند؛ چرا که این احکام، ابزار کارآمدی است که حاکم اسلامی می‌تواند به کمک آنها، بسیاری از دشواریهای جامعه اسلامی را برسد و در امور مهمی مانند تعیین

^{۸۶}. صحیفه نور ۱۱۲/۲۱

^{۸۷}. صحیفه نور ۱۷۶/۲۰

^{۸۴} Renaissance

^{۸۵}. صحیفه نور ۱۷۳/۱۲

از طرفی تخصصی شدن علوم انسانی و دیگر رشته‌های علمی که از نیازهای عصر حاکمیت ماشین و تکنولوژی سرچشمه می‌گیرد با همه مزایا و پیشرفتهایی که داشته و دارد یک آفت اساسی نیز به‌همراه دارد و آن مورد غفلت واقع شدن ارتباط واقعی اشیاء و پدیده‌ها، و به تبع آن ارتباط واقعی اجزاء دریافت‌های فکری و اندیشه آدمی با حقایق خارجی است و این منجر به ضعف نقش و عملکرد علوم انسانی و عدم درک متقابل علوم انسانی و فن آوری شده است.

بنابر این اقتصاد اسلامی هم دارای مکتب و نظام اقتصادی است و هم از ماهیت علمی برخوردار است و بر اساس این ویژگیها جوامع اسلامی قادرند با تکیه بر معارف غنی اسلام به حل مشکلات امروزی اقتصادی همت گمارند. البته این امکان به معنی نفی کج فهمیهای برخی مدعیان نیست. اقتصاد اسلامی برای دوری از تفاسیر سلیقه‌ای لازم است به تعاریف روشن و واضح از معیارها و فرایندهای تصمیم‌گیری دست یابد. همه این موارد با مراجعه به متخصصان امر میسر است اما مشکل در این است که برخی با علم اجمالی از اسلام یا اقتصاد مدعی اقتصاد اسلامی شده‌اند و حتی برخی از مدعیان سیاسی به راحتی به خود اجازه می‌دهند که ناشیانه به نفی اقتصاد اسلامی بپردازند. حقیقت این است که بسیاری از کسانی که در حوزه اقتصاد اسلامی قلم زده‌اند اگر چه عموماً اسلام‌شناس بوده‌اند اما با حقیقت علم اقتصاد آشنایی نداشته‌اند. اگر دقت شود این افراد در حیطه قلمرو تخصصی خود که شناخت دین و استنباط احکام شرعی بوده موضع‌گیری کرده‌اند و لذا نظر آنان در همین حد حجیت دارد و شامل قلمروهای دیگر اقتصاد اسلامی نمی‌شود. سخن اصلی در این میان این است که استفاده از دستاوردهای مثبت علم اقتصاد به معنای نفی هویت علمی اقتصاد اسلامی نیست و این دو می‌توانند رابطه تعاضدی و مکمل داشته باشند تنها در این شرایط است که نظریه‌های اقتصاد اسلامی از «اثر بخشی» لازم برخوردار خواهند بود. بنابرین مهمترین نقش متفکران و اقتصاد دانان اسلامی عبارت است از :

- درک و تعیین تعاریف و مدل سیستم ایده آل اقتصاد اسلامی
- بررسی ابعاد و روش اجرا و سازوکار نظارت و بازرسی در عرصه عمل به برنامه‌ها

یکی از مهم‌ترین هدفهای اقتصاد اسلامی به تعبیر مرحوم شهید آیت الله صدر تغییر واقع فاسد در جهت نیل به واقع سالم و مطلوب اسلامی است ولیکن این مهم روشها و سازوکارهای خود

را نیاز دارد. اقتصاد اسلامی چگونه می‌تواند بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی و شناخت دقیق آن نسخه عملی برای تغییر ارائه دهد.^{۸۸}

به تعبیر مرحوم شهید مطهری رضوان الله علیه: «قوانین اقتصاد اسلامی نمی‌تواند و نباید بر خلاف اصول اولیه اقتصاد نظری باشد، چه در غیر این صورت شکست یار کود و سرانجام مرگ اقتصادی این جامعه بیمار حتمی است کسانی که گستره اقتصاد اسلامی را به دایره تعریف مکتب اقتصادی و تبیین وضعیت ایده آل محدود ساخته‌اند، شناخت واقعیت‌ها و تفسیر آن را بر عهده علم اقتصاد نهاده‌اند اما آیا علمای اقتصاد تاکنون کمکی در جهت شناسایی واقعیت اقتصادی جوامع اسلامی داشته‌اند.

در واقع مجمع تشخیص مصلحت نظام محل تلاقی بهره‌وری و اثربخشی برای بدست آوردن احکام ثانویه بر مبنای مدیریت علمی و مدیریت دینی است و ضمن اینکه عدم پایبندی نظری و عملی به راهنمایی‌های مجمع از سوی افراد، گروهها و احزاب کوچک و بزرگ، به نوعی مضحکه می‌ماند، عملکرد این مجمع نیز در قالب این گزاره قابل ارزیابی خواهد بود.

بنابراین امکان‌پذیری اقتصاد اسلامی در جامعه امروز بستگی به عملکرد مجمع تشخیص نظام دارد و مستلزم آن است که در یک کار گروهی جدی^{۸۹} اقتصاددانان اسلامی بر اساس شناختی که از واقعیت روابط اقتصادی در جوامع اسلامی کسب می‌کنند، بر پایه مبانی و اصول ثابت شریعت اسلام به تولید چارچوب‌های راهبردی برای تغییر واقع فعلی همت گمارند. مجموعه این نظریه‌ها راه را برای رهبران اسلامی جوامع اسلامی باز می‌کند تا کنند و زمینه‌های لازم را برای تغییر شرایط بر اساس الزامات این نظریه‌ها فراهم سازند.

مهمترین معیارهای اقتصاد اسلامی دوری از اسراف و ترویج احسان و در نهایت جلوگیری از اتلاف منابع و تلاش برای رشد منابع است. دوری از اسراف مشابه معیار کارایی فنی در اقتصاد است که بیانگر ضرورت استفاده از حداقل منابع برای تولید محصول است. معیار دوم یعنی احسان به معنی اقتصاد اسلامی ملازم با معنی شکر است و به معنی "کار نیکو" است. کار نیکو به

^{۸۸} دکتر حسین عیوضلو، عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و عضو

هیأت مدیره بانک توسعه صادرات ایران، ۳۱ تیر ۱۳۸۶

^{۸۹} Teamwork

تمام شریانه‌های جاری فکری، برنامه‌ای و عملیاتی کشور توسعه یابد و بایستی از هر گونه سطحی نگری بدور باشد.

جایگاه اخلاق اقتصادی و نقش تربیت دینی

قرآن هر چند ایمان و علم را مایه ارزش شمرده است، اما نگاه نهایی و ارزشی انسان را به ساحت عمل مربوط دانسته است.^{۹۱} خداوند اهل ایمان و برخورداران از دانش را از میان شما انسان‌ها براساس درجات و مراتب، رفعت می‌بخشد و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بس آگاه است.

از این آیه و ۱۸۲ آیه دیگر قرآن استفاده می‌شود که علم و ایمان، دانش و بینش به منزله دو عدد هستند که در یکدیگر ضرب می‌شوند و حاصل ضرب آنها اخلاق و عمل است. پس رابطه متقابلی میان حاصل ضرب و اعداد در هم ضرب شده وجود دارد.

از طرفی می‌دانیم که سنت یکی از ارکان منابع فقه است منحصر به "قول" نیست بلکه قول و فعل و تقریر پیامبر اکرم (ص) هر سه راهنمای عمل و مبنای استنباط احکامند. بدون آنکه بخواهم تشبیهی کرده باشم وقتی که ما معتقدیم که آراء و نظریات و مواضع امام خمینی به عنوان یکی از پیروان و معتقدان واقعی پیامبر اکرم بیانگر اسلام ناب بوده و اگر معتقدیم که تضمین و تداوم نهضت فرهنگی و سیاسی‌ای که امام خمینی ایجاد کرده در گرو پیمودن راه آن حضرت است، علاوه بر شناخت آراء و اندیشه ایشان از لابلای نوشته‌ها و گفته‌های او باید به سیره عملی و نحوه رفتار و عملکردهای او نیز با همان دقت، توجه و مراجعه کنیم.^{۹۲}

...گروهی از فرهیختگان، بحثهای اقتصادی امام را از کتابها و پیامها و سخنرانیهای ایشان استخراج کرده بودند ولی کمتر به مشی عملی امام در برخورد با مسائل اقتصادی و جهت‌گیری عملی ایشان در زندگی و در احکام فقهی اقتصادی و رفتارهای ایشان توجه می‌کردند.

^{۹۱} . یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات و الله بما تعملون

خیر، مجادله/۱۱

^{۹۲} . برگرفته از سخنان حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی درباره آراء تربیتی امام خمینی که در تاریخ ۷۳/۳/۱۱ در مراسم افتتاحیه کنگره بررسی آثار و اندیشه‌های تربیتی امام خمینی در دانشگاه تربیت معلم ایراد گردید.

معنی کار اثر بخش و با بالاترین کیفیت است. این بیان نیز مشابه معیار کارایی در اقتصاد است.

دوری از اسراف و تبذیر و ترویج احسان ایجاب می‌کند که مجمع تشخیص مصلح نظام، چارچوب و روش برون رفت از ساختار کهنه و جاافتاده ائتلاف منابع کشور را تدوین و ترویج کند.

قاعده نفی ضرر فقیهان و اصولیان

امام در این باره، دیدگاهی ویژه دارند. از دیدگاه ایشان، نفی در حدیث (لاضرر و لااضرار) به معنی نهی است، ولی این نهی، حکم شرعی الهی مانند نهی از غضب و کذب نیست، بلکه نهی در این جا، حکم مولوی سلطانی است و وجه صدور آن از پیامبر(ص) این است که ایشان، حاکم و سلطان بر امت اسلامی، بوده است. امام اعتقاد داشت که:

(جملة لا ضرر ولا ضرار)، به عنوان حکم سلطانی و بر این اساس که پیامبر، مدیر و حاکم امت اسلام است و به منظور قطع ریشه های فساد از سوی آن حضرت، صادر شده است، نه به عنوان حکم الهی شرعی، و مفاد این حکم سلطانی، این است که رعیت و مردمان حوزه حکومت اسلامی، حق زیان رسانیدن به یک دیگر را ندارند.)

می‌توان بر اساس سخن اخیر امام گفت: دولت اسلامی می‌تواند با استناد به قاعده نفی ضرر، از وارد کردن برخی از کالاهای خارجی به کشور که سبب زیان اقتصادی گروههایی از مردم می‌شوند، جلوگیری کند و کالاهای مورد نیاز مردم را وارد کند و از پاره‌ای کتابها، مجله‌ها و نمایش فیلم‌ها و تئاترهایی که سلامت روحی و فرهنگی جامعه را تهدید می‌کنند، باز بدارد و از کشت محصولات زیان‌آور مانند خشخاش، ساختن بناها و برجهای بلند که آسایش ساکنان منزلهای همجوار را از بین می‌برند، تولید کالاهای یا ارائه خدماتی که با ارزشهای دینی و ملی مردم، سازگاری ندارند و منع کند. همان گونه می‌تواند با استناد به این قاعده، به خراب کردن منزلهای و مسجدها و دکانهایی که در مسیر خیابانها قرار گرفته‌اند و سبب کندی رفت و آمد و در نتیجه وارد آمدن زیان به جان و مال مردم می‌شوند، بپردازد.^{۹۳}

بنابراین روشن است که جلوگیری از ضرر و زیان به جامعه اسلامی، از طریق ائتلاف منابع کشور، نیازی به توصیه، تاکید، اصرار و خواهش بی‌بدیل بالاترین مقام رسمی کشور ندارد بلکه این امر باید در چارچوب مهمترین وظیفه و مهمترین دغدغه در

مدیریت سیاسی اش و نوع حکومت انتخابی اش تابع یک نظام عقیدتی و فکری واحد و به هم پیوسته بود.^{۹۴}

اگر بنا باشد جامعه‌ای در هنگام بحث از توسعه صنعتی، اصول و مبانی و فرهنگ حاکم بر ممالک پیشرفته غربی، نوع صنایع موجود و نیازهای مصرفی آنها را بپذیرد یا حداقل تضاد این اصول و مبانی و فرهنگ را با واقعیت‌های فرهنگی و مکتب مورد اعتقاد و جهان بینی مردمش نادیده بگیرد ولی در مقام بحث از مسائل ارزشی و اخلاقی و اعتقادی به فرهنگ و مکتب خودی روی آورد و همین طور اگر بنا باشد در سایر مسائل توسعه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نیز دچار این دوگانگی شود نه تنها به توسعه واقعی نمی‌رسد بلکه با وارد ساختن عناصری از فرهنگ ماشینی حاکم بر جوامع غربی بر مشکلات اقتصادی و صنعتی خود نیز افزوده است.

از بررسی مجموعه بیانات و نوشته‌های امام در زمینه تعلیم و تربیت بخوبی در می‌یابیم که در دیدگاه آن حضرت اساساً علم آموزی، با همه شرافتی که دارد و آموزش رشته‌های مختلف علوم، از علوم کاربردی و فنی و تکنیکی گرفته تا علوم نظری و پایه و حتی علوم و معارف الهی و به گفته خود امام: حتی "علم اخلاق و توحید" نیز اگر توأم با تربیت صحیح و تزکیه نفس نباشد بعنوان ابزاری در خدمت قدرتمندان بکار گرفته خواهد شد و نتیجه، همان رنج و ستمهایی می‌شود که امروز در جوامع صنعتی و سرمایه داری - و تا دیروز - در جوامع کمونیستی شاهد آن بوده و هستیم.

اصلاح مشکلات اساسی جامعه، نیل به رفاه و کوشش برای توسعه اقتصادی و صنعتی و تعالی فرهنگ کشور و رسیدن به خودکفایی استقلال واقعی در همه زمینه‌ها جز با پرورش انسانهایی مهذب و کارآزموده امکان پذیر نیست. و اینجاست که توجه به نقش تربیت در مراحل مختلف رشد شخصیت انسان و دریافت اهداف و مبانی و روشهای تربیت صحیح و اسلامی کلید حل معضلات است. نه اینکه امروز مواجه با این حقیقت تلخ باشیم که بزرگان و مدیران انقلاب همانهایی هستند که سی سال

تربیت از دیدگاه امام فرع بر انسان شناسی است که آن نیز خود فرع بر هستی شناسی و خداشناسی و به اصطلاح جهان بینی توحیدی است. ممکن است در پاره‌ای موارد شیوه‌های تربیت یکسان باشند اما هدفها متفاوت، حتی ممکن است هدفها در یک ارزیابی تخصصی نیز به ظاهر مشابه باشند اما دیدگاهی که این هدفها از آنجا منبعث شده کاملاً متفاوت و حتی رودررو باشند.^{۹۳}

توجه به این مقوله‌ها که: حقیقت هستی چیست، جایگاه دنیا و طبیعت در عالم هستی کجاست؟ آیا حاق وجود و هستی متکثر است یا واحد؟ انسان در چه جایگاهی از عالم هستی قرار دارد؟ آیا انسان در تمامیت آن و در حقیقت خویش، موجودی مادی است؟ الهی است؟ ارتباط انسان با دیگر پدیده‌ها و با اصل هستی چگونه است؟ رابطه انسان با خالق چیست؟ آیا حرکت جوهری انسان مرز دارد یا نه؟ و مرزهای آن تا کجاست؟ توجه به این مقوله‌ها و پاسخهایی که به این پرسشها داده می‌شود راهگشای ما در دریافت اساس مکتب تربیتی‌ای است که امام به آن معتقد بود.

اگر جامعه‌ای در مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش و بطور کلی در نظام معیشتی خویش تابع اصول و ارزشها و بینشهای غیر دینی و غیر وحیانی باشد و دچار التقاط در جهان بینی و وام گرفتن در اندیشه از این و آن بشود، ارائه و تفهیم عالیترین مطالب تربیتی نیز نمی‌تواند آنچنان تمدنی بیافریند.

علت موفقیت امام در پیشبرد نهضت و پیروزی انقلاب و علت اینکه یک نفر و یک نفس آنهمه تاثیر در تحولات فرهنگی و اجتماعی ملت ایران و حتی بسیاری از جوامع اسلامی داشته و این تاثیرگذاری روز بروز نیز افزون می‌شود همین حقیقت است که او در رفتارش، گفتارش، در درس و بحث و زعامت دینی و قیام و انقلابش و در جهت گیریهای اقتصادی اش و در نوع

^{۹۳} البته منظور آن نیست که بجای پرداختن به مباحث تعلیم و تربیت، مسائل فلسفی و عرفانی را مورد بحث قرار دهیم بلکه منظور آن است که بی‌توجهی نسبت به ارتباط غیرقابل تفکیک اندیشه و آراء تربیتی با اصول فکری و اعتقادی و جهان بینی فرد است که ما را دچار همان آفتی می‌کند که اشاره شد.

^{۹۴} برگرفته از سخنان حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی درباره آراء تربیتی امام خمینی که در تاریخ ۷۳/۳/۱۱ در مراسم افتتاحیه کنگره بررسی آثار و اندیشه‌های تربیتی امام خمینی در دانشگاه تربیت معلم ایراد گردید.

پیش بودند و نظام با چالش عدم کادر سازی برای انقلاب روبروست.

آیا فرهنگ مصرف در جامعه ما قابل تغییر است؟^{۹۵}

عده زیادی از انسان‌ها تصور می‌کنند که اخلاق غیرقابل تغییر است و می‌گویند از ما که گذشته، ما اینگونه آفریده شده‌ایم و غیره. با صراحت می‌توان گفت که این ادعای غلطی است چرا که اگر این چنین بود دیگر توصیه به خودسازی چه معنایی می‌داشت؟! خودسازی وقتی معنی پیدا می‌کند که امکان تغییر اخلاق وجود داشته باشد. سرنوشت علم اخلاق و تمام بحث‌های اخلاقی و تربیتی به این مساله بستگی دارد، زیرا اگر اخلاق قابل تغییر نباشد نه تنها علم اخلاق بیهوده خواهد بود، بلکه تمام برنامه‌های تربیتی انبیا و کتاب‌های آسمانی لغو خواهد شد؛ تعزیرات و تمام مجازات‌های بازدارنده نیز بی‌معنی خواهد بود. بنابراین، وجود آن همه برنامه‌های اخلاقی و تربیتی در تعالیم انبیا و کتب آسمانی و نیز وجود برنامه‌های تربیتی در تمام جهان بشریت، و همچنین مجازات‌های بازدارنده در همه مکاتب جزائی، بهترین دلیل بر این است که قابلیت تغییر اخلاق، و روش‌های اخلاقی، نه تنها از سوی تمام پیامبران که از سوی همه عقلای جهان پذیرفته شده است.

اما با این همه، عجیب است که فلاسفه و علمای اخلاق بحث‌های فراوانی درباره این که «آیا اخلاق قابل تغییر است یا نه؟» مطرح کرده‌اند!

بعضی می‌گویند: اخلاق قابل تغییر نیست! و آنها که بدگوهرند و طینتی ناپاک دارند عوض نمی‌شوند، و به فرض که تغییر یابند، سطحی و ناپایدار است و به زودی به حال اول باز می‌گردند! آنها برای خود دلائلی دارند از جمله این که: ساختمان جسم و جان رابطه نزدیکی با اخلاق دارد، و در واقع اخلاق هر کس تابع چگونگی آفرینش روح و جسم اوست، و چون روح و جسم آدمی عوض نمی‌شود، اخلاق او نیز قابل تغییر نیست.

در این رابطه ذکر چند نکته مفید است:

۱- ارتباط اخلاق با ساختمان روح و جسم انسان قابل انکار نیست، ولی این ارتباط می‌تواند زمینه‌ساز باشد نه این که الزاماً اجباراً تاثیر قطعی بگذارد، همان‌گونه که بسیاری از افرادی که از پدران و مادران مبتلا به پاره‌ای از بیماری‌ها متولد می‌شوند

^{۹۵} برگرفته از مقاله حضرت آیه الله مکارم شیرازی، مجله راه قرآن، شماره ۱۴

زمینه آلودگی به آن بیماری‌ها را دارند، ولی با این حال می‌توان با پیشگیری‌های مخصوص جلو تاثیر عامل وراثت را گرفت.

افراد ضعیف‌البنیه از نظر جسمانی با استفاده از بهداشت و ورزش، افراد نیرومندی می‌شوند و به عکس، افراد قوی البنیه بر اثر ترک این دو، ضعیف و ناتوان خواهند شد.

افزون بر این، روح و جسم انسان نیز قابل تغییر است تا چه رسد به اخلاق زاینده از آن!

۲- گاه عوامل بیرونی آنقدر تاثیر قوی دارد که ویژگی‌های ذاتی را به کلی دگرگون می‌سازد، و حتی ویژگی‌های جدید به وراثت به نسل‌های آینده نیز می‌رسد.

تاریخ، انسان‌های بسیاری را نشان می‌دهد که بر اثر تربیت به کلی خلق و خوی خود را تغییر دادند، و به اصطلاح یکصد و هشتاد درجه چرخش کردند، افرادی که یک روز مثلا در صف دزدان قهار جای داشتند به زاهدان و عابدان مشهوری مبدل گشتند.

توجه به طرز به وجود آمدن یک ملکه اخلاقی به ما این قدرت را می‌دهد که راه از میان بردن آن را نیز پیدا کنیم؛ مساله چنین است که هر عمل خوب یا بد اثر موافق خود را در روح انسان باقی می‌گذارد، و روح را تدریجاً به سوی خود جلب می‌کند، تکرار این عمل آن اثر را بیشتر و قوی‌تر می‌سازد، و کم‌کم کیفیتی به نام «عادت» حاصل می‌شود، و هر گاه عادت استمرار یابد به صورت «ملکه» در می‌آید.^{۹۶}

بنابراین، همان‌گونه که عادات و ملکات اخلاقی زشت در سایه تکرار عمل تشکیل می‌گردد، از همین طریق قابل زوال است؛ البته، اثر تلقین، تفکر، تعلیمات صحیح و محیط سالم در فراهم کردن زمینه‌های روحی برای پذیرش و تشکیل ملکات خوب را نمی‌توان نادیده گرفت.

۳- بعضی از صفات اخلاقی قابل تغییر است، و بعضی غیر قابل تغییر، آن صفاتی که طبیعی و فطری است، قابل تغییر نمی‌باشد، ولی آن صفاتی که عوامل خارجی دارد قابل تغییر است.^{۹۷}

این قول نیز فاقد هرگونه دلیل است، زیرا این تفصیل و تفاوت گذاری، بین صفات فرع، بر قبول اخلاق طبیعی و فطری است، در حالی که چنین چیزی ثابت نیست؛ و به فرض که چنین باشد

^{۹۶} «دفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینہ عداوۃ کانه ولی حمیم؛ بدی را با نیکی دفع کن ناگهان (خواهی دید) همان کسی که میان تو و او دشمن است گویی دوست گرم و صمیمی (تو) است!» آیه ۳۴ سوره فصلت

^{۹۷} محقق نراقی در جامع السعادات این نظریه را برگزیده است (جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۴).

چه کسی می‌تواند ادعا کند که صفات فطری قابل تغییر نیست؟ مگر حیوانات وحشی را نمی‌توان اهلی کرد؟ مگر تعلیم و تربیت نمی‌تواند آنقدر ریشه‌دار شود که اعماق وجود انسان را دگرگون سازد؟

آیات و روایات نیز دلیل بر قابلیت تغییر اخلاق است.

۱- نفس مساله بعثت انبیا و ارسال رسل و انزال کتب آسمانی: آیاتی از قرآن به خوبی نشان می‌دهد که هدف از مأموریت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) هدایت و تربیت و تعلیم و تزکیه همه کسانی بود که در «ضلال مبین» و گمراهی آشکار بودند.^{۹۸}

۲- تمام آیاتی که خطاب به همه انسان‌ها به عنوان «یا بنی آدم» و «یا ایها الناس» و «یا ایها الانسان»، و «یا عبادی» می‌باشد و مشتمل بر اوامر و نواهی و مسائل مربوط به تهذیب نفوس و کسب فضائل اخلاقی است، بهترین دلیل بر امکان تغییر «اخلاق رذیله» و اصلاح صفات ناپسند است، در غیر این صورت، عمومیت این خطاب‌ها لغو و بیهوده خواهد بود.

ممکن است گفته شود: این آیات غالباً مشتمل بر احکام است، و احکام مربوط به جنبه‌های عملی است، در حالی که اخلاق ناظر به صفات درونی است.

ولی نباید فراموش کرد که «اخلاق» و «عمل» لازم و ملزوم یکدیگر و به منزله علت و معلولند، و در یکدیگر تاثیر متقابل دارند؛ هر اخلاق خوبی سرچشمه اعمال خوب است، همان‌گونه که اخلاق رذیله، اعمال زشت را به دنبال دارد؛ و در مقابل، اعمال نیک و بد نیز اگر تکرار شود تدریجاً تبدیل به خلق و خوی خوب و بد می‌شود.

۴- اعتقاد به عدم امکان تغییر اخلاق سر از اعتقاد به جبر در می‌آورد؛ زیرا مفهومش این است که صاحبان اخلاق بد و خوب قادر به تغییر آن نیستند و چون اعمال آنها بازتاب اخلاق آنها است، پس در انجام کار خوب یا بد مجبورند، و در عین حال مکلف به انجام خوبی‌ها و ترک بدی‌ها هستند؛ این عین جبر است، و تمام مفاسدی را که مذهب جبر دارد بر آن مترتب می‌شود.^{۹۹}

^{۹۸} هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یتزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (سوره جمعه، آیه ۲)، آیه ۱۶۴ آل عمران نیز همین مضمون را در بردارد.

^{۹۹} اصول کافی، جلد ۱، ص ۱۵۵ و کشف‌المراد، بحث قضا و قدر درباره مفاسد و مذهب جبر

۵- آیاتی که با صراحت تشویق به تهذیب اخلاق می‌کند و از رذایل اخلاقی بر حذر می‌دارد نیز دلیل محکمی است بر امکان تغییر صفات اخلاقی.^{۱۰۰}

تعبیر در روایات اسلامی نیز تعبیرات روشنی در این زمینه دیده می‌شود مانند حدیثی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: «ان العبد لیبلغ بحسن خلقه عظیم درجات الاخرة و شرف المنازل و انه لضعیف العبادۃ؛ بنده خدا به وسیله حسن اخلاق به درجات عالی آخرت و بهترین مقامات می‌رسد، در حالی که ممکن است از نظر عبادت ضعیف باشد»^{۱۰۱}

در این حدیث، اولاً: مقایسه حسن اخلاق به عبادت،

ثانیاً: ذکر درجات بالای اخروی که حتماً مربوط به اعمال اختیاری است،

ثالثاً: تشویق به تحصیل حسن خلق، همگی نشان می‌دهد که اخلاق یک امر اکتسابی است، نه اجباری و الزامی و خارج از اختیار!

این گونه روایات و تعبیرات گویا و پرمعنی در کلمات معصومین (علیهم‌السلام) زیاد دیده می‌شود^{۱۰۲} و همه آنها نشان می‌دهد که صفات اخلاقی قابل تغییر است، وگرنه این تعبیرات و تشویق‌ها لغو و بیهوده بود.

نتیجه گیری: ضرورت بازگشت به اندیشه بهره‌وری

می‌توان گفت برای نخستین بار لغت «بهره‌وری» توسط فردی به نام «کوئینزی» در سال ۱۷۶۶ بکار برده شد. بیش از یک قرن بعد یعنی در سال ۱۸۸۳ فردی به اسم «لیتر» بهره‌وری را «قدرت و توانایی تولید کردن» تعریف کرد. بایستی توجه داشت که واژه بهره‌وری با گسترش انقلاب صنعتی و جهت افزایش

^{۱۰۰} «قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها؛ هر کس نفس خود را تزکیه کند رستگار شده، و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده سازد نومید و محروم گشته است.» (سوره شمس - آیه ۹ و ۱۰) به «دسیها» از ماده «دس» و «دسیسه» در اصل به معنی آمیختن شیء ناپسندی با چیز دیگر است؛ مثل این که گفته می‌شود: «دس الحنطة بالتراب؛ گندم را با خاک مخلوط کرده»، این تعبیر نشان می‌دهد که طبیعت انسان بر پاکی و تقوا است و آلودگی‌ها و رذائل اخلاقی از خارج بر انسان نفوذ می‌کند و هر دو قابل تغییر و تبدیل است.

^{۱۰۱} مهجة البیضاء، ج ۵، ص ۹۳.

^{۱۰۲} مرحوم کلینی در ج دوم اصول کافی، در باب حسن الخلق (ص ۹۹) هیجده روایت در این زمینه نقل کرده است.

سودمندی حاصل از نیروی کار، سرمایه و مواردی از این دست گسترش یافت.^{۱۰۳}

بهره‌وری^{۱۰۴} که یکی از مفاهیم اقتصاد است اینگونه تعریف می‌شود: "مقدار کالا و یا خدمات تولید شده در مقایسه با هر واحد از انرژی و یا کار هزینه شده بدون کاهش کیفیت". به دیگر سخن بهره‌وری عبارتست از بدست آوردن حداکثر سود ممکن با بهره‌گیری و استفاده بهینه از نیروی کار، توان، استعداد و مهارت نیروی انسانی، زمین، ماشین، پول، تجهیزات، زمان، مکان و... به منظور ارتقاء رفاه جامعه. بهره‌وری نسبت کار انجام شده به کاری که باید انجام می‌شده است و کار به چای انسان اصالت داشته است. در رویکرد جدید آنچه که به عنوان ارزیابی کار و زمان اهمیت پیدا کرده است، ارزش انسان است که از طریق مهندسی ارزش تعیین می‌گردد.^{۱۰۵}

اما سطوح مختلف بهره‌وری عبارت‌اند از:

- سطح فرد
- سطح گروه کاری
- سطح سازمانی
- سطح رشته‌های تجاری، خدماتی، صنعتی و کشاورزی
- سطح ملی و کشوری
- سطح جهانی

بهبود بهره‌وری با موانعی نیز مواجه خواهد بود:

- مشخص نمودن متولی کار
- ناهماهنگی و نبود هدایت و نظارت مناسب
- ضعف تعهد اجرایی
- عجله در حصول نتیجه
- دخالت‌های بی‌جای برخی کارشناسان در سایر حوزه‌های کاری و اظهار نظرهای غیر کارشناسانه

^{۱۰۳} <http://fa.wikipedia.org>

^{۱۰۴} Productivity

^{۱۰۵} بنابراین پر کردن خیابانهای شهر از صدها بیلپورد چند ده هزار تومانی، که تنها فرارسیدن سال اصلاح الگوی مصرف را در ایام نوروز به مردم تبریک می‌گفت یا اقدام یکی از ادارات در قطع سیفون آب توالت دستشوئی‌ها و... کارهایی هستند که نه تنها وهن دین محسوب می‌شود بلکه سطحی نگری و نابخردی در برخورد با خواست بالاترین مقام مدیریتی جامعه تلقی می‌شود.

- عدم وجود کارشناسان خبره و یا عدم انگیزش آنها در ارزیابی سیستم و تجزیه و تحلیل و اندازه‌گیری بهره‌وری
- برخورد مقطعی با موضوع بهره‌وری و ناپیوستگی روند بهره‌وری
- نداشتن اعتقاد و باور ملی به نتایج و فواید بهبود بهره‌وری
- ترس از برخی نمودهای ظاهری بهره‌وری از جمله ترس از بیکاری
- ناآگاهی عمومی نسبت به مفاهیم و جایگاه بهره‌وری، میزان اهمیت آن و نقش و وظایف افراد در این راستا
- بی‌توجهی به فکرهای خلاق و مبتکر
- مقاومت افراد در مقابل تغییرات و عدم تمایل به ترک برخی عادات
- غرق شدن در روش‌ها و تکنیکها و تغییر باورهای فکری
- بلند پروازی و بی‌توجهی به مسائل به ظاهر کوچک و راه‌حلهای خرد

فواید عمومی بهره‌وری عبارت‌اند از :

- رونق اقتصادی
- افزایش تولید و ارائه خدمات
- ثبات اقتصادی در بازار جهانی
- ایجاد اشتغال
- توسعه صنعتی
- توسعه پایدار ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و بهداشتی
- صرفه جویی در هزینه‌ها
- افزایش کیفیت (مرغوبیت و مطلوبیت) کالاها و خدمات
- ثبات قیمتها و یا حتی کاهش آن
- افزایش سطح رفاه عمومی جامعه
- افزایش درآمد و سود
- رضایت عمومی افراد

منافع و فواید بهره‌وری برای سیستم‌های دولتی و شرکتها را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

- انجام درست کارها و انجام کارهای درست

- افزایش کیفیت زندگی کاری
- افزایش رفاه کارکنان
- افزایش انگیزه کاری
- افزایش سود و درآمد
- کاهش هزینه‌ها
- افزایش تقاضا
- رضایت شغلی کارکنان
- سرعت عمل کارکنان
- دقت عمل کارکنان
- ایجاد رقابت سالمتر
- ارتقای شغلی کارکنان
- ایجاد محیط کاری جذاب
- آموزش عمومی کارکنان
- افزایش حقوق و دستمزد
- امنیت شغلی کارکنان

عوامل موثر برای افزایش سطح بهره‌وری

بطور کلی عوامل موثر برای افزایش سطح بهره‌وری را می‌توان چنین برشمرد:

۱- بهبود در بکارگیری رهاوردهای فناورانه :

الف: استفاده از ماشین آلات و تجهیزات بهتر و سرمایه گذاری بیشتر در تجهیزات و ماشین آلات.

ب: اهمیت دادن و استفاده از قدرت نوآوری و خلاقیت کارکنان و پژوهشهای کاربردی آنها

ج: تحولات و پیشرفت فنی و دگرگونیهای فناورانه

د: استفاده صحیح و کامل تجهیزات فنی و فناوریها

ه: ایجاد واحدهای تحقیق و توسعه و اهمیت به جایگاه آنها
و: انجام پژوهش جهت دستیابی به فناوری برتر و کاهش هزینه‌های تولید و ابداع محصولات جدید و کیفیت برتر و افزایش تولید.

ز: یکپارچه کردن صنایع و ایجاد واحدهای عظیم و تولید هنگفت جهت صرفه جویی ناشی از تولید انبوه.

ج: تغییر و دگرگونی در کیفیت مواد اولیه و بهبود آن

ط: تغییر دگرگونی در فرآیند ساخت و عملکرد سیستم و بهبود شیوه‌ها و فنون مهندسی صنایع.

ی: استفاده از تدابیر ارگونومی (مهندسی انسانی یا دانش هماهنگ سازی میان انسان، محیط و ماشین) به منظور سلامتی،

شادابی، رفاه و ایمنی کودکان

- ک: نظام به موقع خدمات و تولید به هنگام^{۱۰۶}
- ل: نظام موجودی صفر یا بدون انبار^{۱۰۷} به منظور صرفه جویی در هزینه‌های سرمایه‌ای و عملیاتی انبار و انبارداری
- م: استفاده از منابع پربازده.
- ۲- بهبود روابط حاکم بین مدیر و کارکنان :
- الف: بکارگیری سبک مدیریتی صحیح و علمی
- ب: توجه مدیریت به مشکلات کاری و زندگی کارکنان
- ج: ایجاد سیستم اطلاعاتی مدیریتی صحیح جهت استفاده مدیران از اطلاعات و آمار درست و دقیق درباره عملکرد سیستم و عملیات انجام شده و سایر اطلاعات مورد نیاز.
- د: ایجاد روابط دوستانه و صمیمی مدیریت با کارکنان
- ه: دادن آگاهی و شناخت به کارگران و کارکنان درباره اهداف و وظایف سازمانی و جایگاه افراد در آن.
- ز: ایجاد روحیه همکاری و مشکل گشایی در سازمان و باور داشتن آن توسط مدیران و کارکنان.
- ج: کوشش و پشتیبانی مدیریت در زمینه مدیریت مشارکتی و بهره‌وری .

ی: بهره‌گیری از سرمایه‌های درونمرزی و برونمرزی در فعالیتهای تولیدی و دارای ارزش افزوده و پرهیز از مصرف در امور غیر ضروری غیر تولیدی.

۳- بهبود کیفی عامل کار:

الف: نگرشهای مثبت کاری، به‌عنوان مثال غرور داشتن در کار و متمایل به پیشرفت مستمر.

ب: کسب مهارت‌های جدید و ارتقای تخصص با کمک آموزش.

ج: کمک به همکاران در مواقع لزوم و اجرای کارها به صورت گروهی و دسته جمعی

د: مشارکت در برنامه‌های بهبود بهره‌وری همچون کمیته‌های بهره‌وری، طرح پیشنهادها، نظام جامع کیفیت مدیریت و گروههای کنترل کیفی

ه: انجام درست کارها از بدو امر

و: حفظ سلامت جسمانی و تغذیه مناسب افراد

ز: انگیزش مناسب کارکنان از طریق اعطای پاداشهای مادی، تفویض اختیار، ایجاد محیط دوستانه و روابط غیررسمی بین کارکنان

ح: بالا رفتن سطح آموزش مستمر و مداوم نیروی کار

ط: انجام پژوهش و تحقیقات متناسب با کار

¹⁰⁶ Just in Time Production System (JIT)

¹⁰⁷ . Zero Inventory

ی: سپردن کار به کاردان و گماردن افراد در مشاغل متناسب
ک: ایجاد شرایط خوب کاری و تفریحات سالم برای کارکنان
ل: بهبود روشهای انجام کار

م: استفاده از سیستم مکانیزه و روش خودکار

ن: حذف مراحل زاید

بدیهی است برای افزایش سطح بهره وری عامل یا علت
بخصوصی را نمی‌توان ارائه کرد بلکه ارتقای بهره وری معلول
ترکیبی از عوامل گوناگون است و هرکدام به نوبه خود تأثیر لازم
را می‌گذارد.

ارائه چند پیشنهاد

۱- ترویج نظام سالم مراسم خانوادگی از رسانه ملی

۲- تبلیغ مستمر و تفهیم کامل تعالیم دینی در زمینه اخلاق
اقتصادی

۳- کنترل استرس در جامعه

۴- تعلیم هنجارهای رفتاری و ارتقاء رشد فکری مردم در جهت
درک ارزش های منابع طبیعی و ملی از طریق رسانه ها (در
تبلیغ این هنجارها ضمن پرهیز از هرگونه نصیحت یا اخطار
بایستی هدف، اطلاع رسانی و فرهنگ سازی باشد و در این
زمینه از نمایش فرهنگ های ملل مرفقی در دنیا استفاده شود).

۵- افزایش دانش فنی در سطوح برنامه ریزان و اداره کنندگان
منابع ملی و گزینش افراد بسیار دقیق، دلسوز، آگاه، ایثارگر و
آینده نگر در زمینه بحران های ناشی از اتلاف منابع کشور

۶- استفاده از افراد خلاق و نوآور در سطوح برنامه ریزان و اداره
کنندگان منابع ملی برای پرداخت ویژه به اتلاف منابع انسانی
کشور (جوانان تحصیل کرده و بهره وری کارکنان)

۷- حل مشکلات و معضلات در هم پیچیده و خرد و کلان ایجاد
بنیادهای خیریه توسط افراد نیکوکار متمول (رعایت حقوق و
اعطای امتیازات ویژه)

۸- حذف یارانه افراد مرفه (دهک بالا) با مکانیزمهای بسیار ساده
و روان (پیچیده کردن این پروژه و پرداخت نقدی قبل از آغاز به
کار طرح شناسائی و ساماندهی قشر مرفه، موضوع را غامض تر
خواهد کرد)^{۱۰۸}

۹- در یک برنامه گسترده در رسانه های گروهی و کتابهای
درسی میزان اتلاف منابع ملی به اطلاع مردم رسانده شود و

^{۱۰۸} ذکر این نکته ضروری است که بر خلاف تصور عوام کارشناسی، ارتباط
حل مشکل آلودگی هوا یا کاهش مصرف سوخت، با روش حذف یارانه قشر
مرفه، موضوعی کاملاً غیر علمی و ثابت نشده است!

فرهنگ صرفه جوئی و تلف نکردن منابع ملی در مردم پرورش
داده شده و روشهای استفاده صحیح از این منابع به مردم
آموخته شود.

۱۰- سازمان های دولتی و غیردولتی مدیریتی به نام مدیریت
صرفه جوئی در واحدهای خود ایجاد نمایند که وظیفه اش
کاهش اتلاف منابع ملی مؤسسه مربوطه باشد.

۱۱- طی یک طرح تحقیقاتی اثرات اجتماعی، اقتصادی و
سیاسی حذف یارانه های پرداختی دولت در مصرف آب، انرژی،
دارو، نان و سایر مواد غذایی مورد بررسی قرار گیرد.

۱۲- برای افزایش بازده کل آبیاری و جلوگیری از اتلاف آب در
کشور یک نظام جامع مدیریت آب که شامل تولید، عرضه و
مصرف آب می باشد در کشور ایجاد گردد.

۱۳- با تشکیل وزارت انرژی یک مدیریت جامع انرژی که شامل
تولید، عرضه و مصرف انرژی (سوخت و برق) در کشور می باشد
ایجاد گردد و به کاهش اتلافات انرژی، آلودگی محیط زیست،
افزایش بازده دستگاههای تبدیل انرژی و استفاده از انرژی های
تجدید پذیر (خورشید، باد، آب و ...) بپردازد.
۱۴- کنترل مصرف دارو از طریق افزایش دسترس پذیری
خدمات بهداشت درمان عمومی.

۱۵- تغییر فرم ارزان و مدرن تولید نان .

۱۶- آموزش همگانی مدیریت زمان

۱۷- کنترل قاچاق مواد غذایی، سوخت، دارو با مکانیزمهای
خودکار و با کمترین خطای انسانی بدون دخالت انسان گمرکی
مالی و انتظامی و همچنین توجه ویژه به وضعیت معیشتی
مرزنشینان کم درآمد و ایجاد طرحهای اشتغالزا
۱۸- عملی ساختن بهینه ساختن مصرف انرژی در صنعت
ساختمان از طریق:

• ابلاغ ماموریت و تامین منابع مورد نیاز شهرداری ها و
شوراهای شهر و روستا در جهت بهینه‌سازی مصرف انرژی
در ساختمانها

• استفاده از تکنولوژیهای جدید و مواد اولیه بهتر و سازگار
با محیط زیست

• فعال سازی سازمان نظام مهندسی کشور در امر نظارت و
بازرسی

• آموزش استفاده بهینه از منابع انرژی به مالکان از طریق
رسانه‌های ارتباط جمعی و فرهنگ‌سازی

۱۹- عملی ساختن بهینه ساختن مصرف انرژی در صنعت
خودروسازی از طریق:

منابع و مراجع

- ۱- استاد شهید مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۸۵/۲ - ۸۶، صدرا.
- ۲- شهید مرتضی مطهری، یادداشتی پیرامون مسائل حکومتی، جمهوری اسلامی، ۱۱ فروردین ۱۳۷۷.
- ۳- مجله (حوزه)، شماره ۵۷ - ۵۶، مقاله: (جایگاه و قلمرو حکم و فتوا); مجله (فقه) کتاب اول، مقاله: (حکم حاکم و احکام اولیه).
- ۴- دکتر صبحی محمضانی، فلسفه قانونگذاری در اسلام، ترجمه: اسماعیل گلستانی/۱۶۰، امیرکبیر.
- ۵- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- ۶- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به مجمع تشخیص مصلحت نظام، ج ۳/۱ - ۱.
- ۷- صحیفه نور، ج ۱۷۶/۲۰.
- ۸- قانون تعزیرات حکومتی، قانون تعزیرات، بهداشتی، درمانی نیز از مصوبات همین مجمع است.
- ۹- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همراه با اصلاحات شورای بازنگری قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸، اصل ۱۱۲ اصلاحی.
- ۱۰- امام خمینی، ولایت فقیه، انتشارات آزادی; (کتاب البیع) ج ۴۶۵/۲.
- ۱۱- معین، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۲.
- ۱۲- تفسیر نمونه
- ۱۳- منصور شفیع زاده. نگاهی دوباره به اندیشه‌های اقتصادی حضرت امام خمینی(س). چاپ دوم، تهران: نشر مدرس، ۱۳۷۳، ۱۸۷.
- ۱۴- یدالله دادگر کرمانجی. نگرشی بر اقتصاد اسلامی. چاپ دوم، تهران: نشر مدرس، ۱۳۷۸، ۱۴۴.
- ۱۵- محمود روزبهان. اقتصاد اسلامی. چاپ سوم، تهران: نشر قلم، ۱۳۷۸، ۱۷۲.
- ۱۶- امام موسی صدر. اقتصاد در مکتب اسلام. علی حجتی کرمانی.
- ۱۷- بطحی، سید حسین و بابک کاظمی (۱۳۸۳)، کتاب «بهره‌وری»، تهران، موسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی
- ۱۸- ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، صص ۲۴۳-۲۴۰
- ۱۹- موسوی کاشمیری، سید مهدی، پژوهشی در اسراف، صص ۳۵-۳۱
- ۲۰- نظامهای اقتصادی دکتر حسین نمازی. انتشارات شرکت سهامی انتشار. چاپ سوم ۱۳۸۴

- تشویق بهینه سازی مصرف فراورده‌های نفتی در بخش حمل و نقل عمومی و تجاری
- کنترل رشد تولید خودروهای سواری پر مصرف از طریق رقابتی کردن بازار(کاهش تعرفه کمرگی خودروهای کلاس کوچک و متوسط ارزان قیمت و کم مصرف و غیر آلاینده در دنیا که زمینه انتقال تکنولوژی آنها در کشور فراهم است).^{۱۰۹}
- تشویق بهینه سازی مصرف سوخت در موتورهای احتراقی مدرن
- فعال سازی موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران
- ۲۰- عملی ساختن بهینه ساختن مصرف انرژی در سایر صنایع از طریق:
 - آموزش استفاده بهینه از منابع انرژی به مدیران از طریق کارگاه های آموزشی تخصصی
 - استفاده بهینه از مواد و بازیابی آنها در صنایع مختلف
 - بهینه‌سازی و مدل کردن واحدهای صنعتی و افزودن تجهیزات اضافی
 - بالا نگه داشتن قیمت انرژی
 - تشویق به استفاده از انرژیهای نو و تجدیدپذیر
 - تشویق به استفاده از روش تولید انرژی گسترده(محلی)
 - آموزش استفاده بهینه از منابع انرژی به افراد از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و فرهنگ‌سازی در این زمینه
 - فعال سازی ادارات کل بازرسی کار وزارت کار و ادارات کل بهداشت کار وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

^{۱۰۹} بر خلاف تصور عوام کارشناسی، با توجه به سقف نیاز اشباع نشده در بازار خودروهای سواری، بدیهی است اقدام به واردات راساً توسط خودروسازان، می تواند به عنوان، راه حلی در قبال موضع گیری جانبدارانه آنان و در جهت عبور از بحران و حل مشکل خدمات پس از فروش تلقی شود.

http://www.darksky.org -۳۸
http://www.tavanir.org.ir -۳۹
http://www.hawzah.net -۴۰
http://fa.wikipedia.org -۴۱

- ۲۱- ژوزف لاژوژی؛ مکتب‌های اقتصادی؛ ترجمه جهانگیر افکاری؛ سازمان انتشارات و آموزش اسلامی چاپ اول ۱۳۶۷
- ۲۲- اورعی، ک.، ۱۳۷۸. تحلیل و محاسبه بهره‌وری. انتشارات نشر علوم دانشگاهی.
- ۲۳- بروشور "روشنایی" سازمان بهره‌وری ایران (سایا) آذر ۱۳۷۷
- ۲۴- پیمایش آقای سید حامد میرزاخلیل. خیابان سهروردی حدفاصل پل سید خندان و خیابان عباس آباد در ساعت ۷ شب (زمستان ۱۳۸۵).
- ۲۵- دامغانیان میترا، محمد فرید حنیفی، زهره حساری، شرکت مهندسی مشاورین روشنایی نورگستر ایران، مقدمه ای بر آلودگی نور و حفاظت از محیط شب، ارائه شده در نوزدهمین کنفرانس بین المللی برق ۱۳۸۳
- ۲۶- حسن رحیم پور ازغدی، آیا عصر اعتقاد سپری شده است؟، صبح، ۱۳۷۷، ش ۸۱، ص ۲۴.
- ۲۷- حسن رحیم پور ازغدی، جامعه مدنی (۲ - ۱)، جامعه، ۲۷ و ۲۸ خرداد ۱۳۷۷.
- ۲۸- علی اکبر هاشمی رفسنجانی، اسلام و پیوستگی دین و سیاست، جمهوری اسلامی، ۴ خرداد ۱۳۷۷.
- ۲۹- تقی مصباح یزدی، فلسفه سیاسی اسلام (۳ - ۱)، رسالت، ۱۱ و ۲۰ فروردین و ۸ اردیبهشت ۱۳۷۷.
- ۳۰- تقی مصباح یزدی، ولایت فقیه و توطئه علیه آن، رسالت، ۷ خرداد ۱۳۷۷.
- ۳۱- حسین بشیریه، عزت الله سبحانی و عبدالکریم سروش، آزادی سیاسی در ایران (۵ - ۱)، جامعه، ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ فروردین و ۱ و ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.
- ۳۲- گفت و گو با عبدالکریم سروش، شریعتی از دیدگاه سروش، جامعه، ۲۸ خرداد ۱۳۷۷.
- ۳۳- محسن غرویان، چهل اشکال به یک مصاحبه (نقد مصاحبه عبدالکریم سروش) (۲ - ۱)، رسالت، ۴ و ۱۱ مرداد ۱۳۷۷.
- ۳۴- رضا غلامی، الگوی جامعه مدنی دینی، کیهان فرهنگی، ۱۳۷۷، ش ۱۴۱، ص ۴۸.
- ۳۵- علی اکبر کلانتری، حکم ثانوی از دیدگاه امام خمینی (ره)، حوزه، ۱۳۷۷، ش ۸۵ و ۸۶، ص ۲۶۹
- ۳۶- محمدصادق مزینانی، از دیدگاه امام خمینی و قرائتهای گوناگون، حوزه، ۱۳۷۷، ش ۸۵ و ۸۶، ص ۱۵.
- ۳۷- حامد الگار، اسلام به عنوان ایدئولوژی در اندیشه های شریعتی، کیهان هوایی، ۳ تیر ۱۳۷۷.